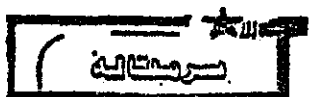


سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

پهلو ۵۰ ریال

مرداد ۱۳۶۳

دوره جدید سال دوم - شماره ۲۰



اطلاعیه
شاخه کردستان

بیرامون سیاست تخلیه
و انهدام روستاها
توسط رژیم جمهوری اسلامی

خلق قهرمان کرده
خلفهای سراسر ایران!
کارگران و زحمتگان و روشنفکران
انقلابی
سازمانها و احزاب مترقی و
دمکرات سراسر جهان
رژیم جمهوری اسلامی که بیش
از پنج سال است از وضع جنایتی
در کردستان فروگذاری نکرده
است، رژیمی که در طول پنج سال
گذشته، جزگشتار و ویرانی و
انهدام خانه و کاشانه، زحمتگان
خلق کرد، ارمنان دیگری برای
آنها نداشته است، اینک که بنا
تمامی تلاشهای ارتجاعی و
مذبوحانه خود در برابر قدرت
اراده، خلق نا پذیر خلق کرد به
زبان آورده است، و از رسیدن به
اهداف بلند خود شومیه گشته است
در صفحه ۲

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

طی یک عملیات کمین گذاری ۶ تن از مزدوران تا مین جاده به هلاکت
رسیدند. و مقادیری سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد.
طی یک عملیات جسورانه پایگاه جالده هی در منطقه بانه درهم
کوبیده شد.

در اثر انفجار مین پیشمرگان فدائی یک دستگاه خودروی ایفای دشمن
منهدم و ۷ تن از مزدوران به هلاکت رسیدند. در صفحه ۳

انقلاب مشروطیت و سیر پیشرونده تاریخ

۱۴ مردادماه، روز اعلام
مشروطیت و روز نخستین موفقیت
جنبش توده ای در مقابل سلطنت
ارتجاع قرون وسطایی و استبداد
سلطنتی در تاریخ معاصر ایران
است، سالروز پیروزی نخستین
جوانانهای مدنیت اجتماعی بر
عقب ماندگی و تحجر پوسیده
در صفحه ۲۱

۲۸ مرداد

سالروز فرمان جهاد علیه خلق کرده
تلاتی مذبحخانه
نسکستی مفتضحانه

در بیست و هشتم مردادماه
۱۳۵۸ رژیم جمهوری اسلامی
آشکارا برده، فریب و ریا از چهره
خود برکشید و با فرمان جهاد
خشنی بورس گسترده علیه خلق
کرد را آغاز کرد. اهداف واقعی
حکومت جمهوری اسلامی که چیزی
جز سرکوب جنبش انقلابی
کارگران و زحمتگان خلقهای
سراسر ایران نبود آشکار گشت
و به سرعت ذهنیت بخش وسیعی از
توده ها که نسبت به رژیم در توهم
فرو رفته بودند را درهم شکست.
رژیم با اجرای فرمان جهاد،
جنگی راه خلق کرد تحمیل نمود
که سه ماه با شدت بی سابقه و
جناایتباری ادامه یافت. قبلا
نیز رژیم در سنج و ترکمن -
محرا درگیریهایی راه خلق کرد
و ترکمن تحمیل کرده بود، اما
در ۲۸ مرداد بورس رژیم اسعاد
گسترده ای پیدا نمود.
رژیم هراسان از رشد آگاهی
سیاسی و مبارزاتی خلق کرد و
در صفحه ۵

اشتقاقهای موجود
اتحادهای آینده
تست آخر

از کجا باید آغاز کرد؟ با چگونه برنامه ای و چرا؟

استراتژی جنگی طبعا جزئی از
آن است و پیروزی در این عرصه
الزاما مستلزم بشرفتیهای
اساسی در سایر زمینه های این
جنبش است. و روی این مساله
تاکید نمودیم که جنبش انقلابی
خلق کرد در اساس استراتژی
جداگانه ای از استراتژی انقلاب
در صفحه ۹

ما قبلا "بیرامون وضعیت
کنونی جنبش خلق کرد (وضعیت
عمومی و نقش و جایگاه آن در
جنبش سراسری خلقهای ایران)
سخن گفتیم و روشن ساختیم که
مساله اساسی امروز جنبش خلق
کرد، حل گره گاههای استراتژیک
سازمان کهنی در عرصه های
مختلف فعالیت آن است که خود

پیروان سیاست تخلیه و انهدام روستاها...

از صفحه ۱

و با تمامی نیرو و تجهیزات عظیم خود در اقصی نقاط کردستان انقلابی به با تلاق مرگ ناگزیر فرو رفته است. دست به جنایت گسترده و وسیع و شوم دیگری زده است تا مگر بتواند بر اهداف سرکوبگرانه و ضد انقلابی خود دست یابد. رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با تخلیه و انهدام بخش وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان، فشار هر چه بیشتری به زحمتکشان خلق کرد وارد آورده و آنها را از حمایت بیدریغ از فرزندان مسلح خود باز دارد.

رژیم جمهوری اسلامی برای جبران شکست های مفتضحانه تمامی سیاست های خود در طول پنج سال گذشته در صدد است سیاست ارتجاعی جدید خود را با تخلیه و تخریب بیش از ۶۰ روستا علی سازه که بر اساس آن تعداد بیش از ۱۵۰۰ خانوار با جمعیتی نزدیک به ۱۰۰۰۰ نفر آواره و بدون هیچ آینده ای بر خیزل آوارگان این جنگ تحمیلی پنج ساله افزوده می گردند.

رژیم جمهوری اسلامی و قبحانه به اهالی چند روستا از روستا های مزبور اعلام کرده است که هر چه زود تر خانه و گاه خانه خود را تخلیه نموده و آواره دست و گوه کردستان گردند، و در غیر این صورت بسا خمپاره باران و قتل عام مزدوران خون آشام رژیم روبرو خواهند گشت. به اهالی دهها روستای دیگر نیز اخطار نموده است تا فعل یا شیز روستاها را تخلیه کرده، به هر جایی که می توانند نقل مکان کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که از تبعید، دستگیری، آزار و شکنجه آحاد ملیت کرد نتیجه ای نگرفته است و نتوانسته است حمایت فعال و بیدریغ آنها از پیشمرگان را بکا هد و آنها را از طریق تسلیح اجباری و غیره به مقابله بسا فرزندان پیشمرگ خود وادارد، آخرین چاره خود را در تخلیه و تخریب نقاط حساس کردستان انقلابی یافته است. تا مگر بتواند

این کانون گرم و پرخروش مبارزه را از تیش باز دارد و بدین وسیله پیشمرگان قهرمان خلق کرد را از پشت جبهه قدرتمند خود در برخی مناطق حساس کردستان محروم سازد.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در سرکوب خلق کرد از لطف خود یعنی رژیم پهلوی عقب نمانده است و در طول پنج سال گذشته بسا ارتجاعی ترین و وسعانه ترین شیوه های ممکن به سرکوب خلق کرد پرداخته است و در مقابل اراده آن مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود ایستاده است و بسا توپ و تانک و خمپاره و زندان و شکنجه با خلق کرد سخن گفته است در ارائه و عملی کردن طرحهای ارتجاعی همچون تخلیه و انهدام روستاها نیز طرح های معوق رژیم پهلوی را در صدد است به فرجام رساند. این طرح ارتجاعی که برای اولین بار در توافق ۱۹۷۵ الجزایر بین دولتین ایران و عراق در پشت درهای بسته مورد موافقت طرفین قرار گرفت و حوزه عمل آن شامل مناطقی بسا شعاع دهها کیلومتر از نوار مرزی هر کدام از طرفین مزبور می شد و هدف آن نیز جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد در هر دو کشور بود، به دلایل متعددی از جمله و مهمتر از همه رشد و اعتلای جنبش توده ای در ایران، در دوران رژیم پهلوی صورت عملی به خود نگرفت و عقیم ماند، اینک یک بار دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی مطرح گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که در طول حیات نتگین خود تا به امروز نتوانسته است این طرح ارتجاعی را عملی نماید، اکنون و در شرایطی به آن توسل جسته است که با تمامی تلاش های مذبحخانه خود در طول پنج سال گذشته و استقرار صدها هزاران پایگاه در سر تا سر کردستان نتوانسته است نه تنها موفقیتی در زمینه اعمال حاکمیت ارتجاعی خود بر خلق کرده دست آورد، بلکه در سر تا سر کردستان متناسب با گسترش پایگاه های خود هر روز بیشتر از روز پیش

مورد حمله پیشمرگان خلق کرد قرار گرفته است. رژیم تصور میکند با انجام این طرح ارتجاعی از تحرک پیشمرگان خواهد کاست.

زحمتکشان خلق کرد را مستاصل خواهد ساخت و در نتیجه در پایگاه های متعدد خود که همچون زندان های بی شماری در اقصی نقاط کردستان مستقر نموده است روی آرامش را به خود خواهد دید، نگاهی به لیست روستا های که رژیم قصد تخلیه و تخریب آنها را دارد، اهداف واقعی رژیم را هر چه بیشتر آشکار خواهد ساخت.

این روستاها که اکثراً در منطقه مرزی "تالان" و "سوسائیتی" سردشت و گه ورگ مرکزی قرار دارند، اکثراً روستا های را در بر می گیرند که علیرغم حتی تسلط رژیم بورژوازی آنها، از مبارکرم مهم تجمع پیشمرگان و مقابله خونین با یورش های مزدوران رژیم بوده هستند. و رژیم با این سیاست ارتجاعی در حقیقت در صدد انتقام از اهالی بی دفاع این روستاها برآمده است و تصور می کند بسا تخریب این روستاها می تواند و خواهد توانست، زحمتکشان خلق کرد را از پافشاری بر اهداف انقلابی - دمکراتیک خود مبنی بر رهائی از قید بند ستاملسی و ایجاد جامعه ای دمکراتیک و انقلابی باز داشته و تحت انقیاد ظالمانه خود در آورد.

اما واقعیت های مبارزه کنونی و جنگ انقلابی در کردستان در طول پنج سال گذشته بر هر کسی آنگا رسا خسته است که هیچ کدام از سیاستهای ارتجاعی رژیم نتوانسته یورشهای ارتجاعی و همه جانبه، نه قتل عام زن و مرد و کودک و پیر و جوان در روستا های کردستان، نه بمباران و خمپاره و توپ باران شهرها و روستاها، نه گسترش هر چه بیشتر پایگاهها و نه تبعید و دستگیری و آزار و اذیت و اعدام مردم عادی و نه تسلیح اجباری توده های مردم و نه سر باز گیری اجباری و غیره، هیچکدام تاکنون نتوانسته است و نخواهد توانست خللی در اراده خلق مبارز و قهرمان کرد وارد آورده آن را یک گام از پافشاری بر اهداف انقلابی - دمکراتیک خود باز دارد. و از همین امروز مشخص است که این سیاست رژیم نیز با شکست مفتضحانه دیگری روبرو خواهد گردید.

در صفحه ۸

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

د. اثر انفجار مین پیشمرگان فدائی یک دستگاه خودروی ایفای دشمن
سدم و ۷ تن از مزدوران به هلاکت رسیدند.

کوشه کردستان فریاد میزند و بر سینه مزدوران رژیم جنگ می‌نماید. امروز دیگر ایمنی و اطمینان انکارناپذیری است که رژیم هرچاکه پانهاد است با گلوله و انفجار خشم خلق و با مملکت مرگ و نیستی مواجه گشته است.

در روز هفدهم مرداد ماه نیز مزدوران رژیم بیسن دق پایگاه "چورهی" و پایگاه "بشت" شالک در محور بانه سردشت با سرنوشت محتوم رژیم جمهوری اسلامی در کردستان روبه‌رو گشتند.

عصر روز هفدهم مرداد ماه با انفجار مینی که توسط یک دسته از پیشمرگان فدائی گانه گذاشته شده بود، یک دستگاه خودروی ایفا حامل مزدوران رژیم به کلی منهدم گشته و به داخل دره سقوط کرد و هفت نفر از سرنشینان آن به هلاکت رسیده، دویز دیگر زخمی شدند که یکی از آنها فرمانده پایگاه "چورهی" بود.

به دنبال انفجار مین پیشمرگان فدائی، مزدوران مستقر در پایگاه "چورهی" چون همیشه سراسیمه و هراسان تمامی منطقه را به تسویق و خرابه بستند و ترس و وحشت

رژیم جمهوری اسلامی بر هر کجای کردستان که قدم می‌گذارد، با اراده متحد خلق کسرد و پیشمرگان قهرمان آن روبرو می‌شود. او با تمام تجهیزات ویرانگر خود، باخیل نیروهای انسانی خود اعم از جاشو باسدار و قبیاده‌ای و ارتشی، اگرچه قبل از ورود به هروجیب خاک کردستان قهرمان دهها بار آنجا را به شجاع دهها کیلومتری می‌کوبد و خانه‌ها را ویران می‌کند، زنان و کودکان و پسر مردان را قتل عام می‌کند. تا با ایجاد رعب و وحشت، زحمتکشان خلق کسرد را از مبارزه برای تحقق آرمان انقلابی خود و حمایت بی‌دریغ از پیشمرگان قهرمان، ایمن فرزندان سلحشور کردستان، باز دارد. اما واقعیت‌های سرخست مبارزه کنونی هر روز و هرواغت و با قدرت هرچه بیشتر اراده خلیل ناپذیر این خلق قهرمان را آشکار ساخته و آرمان حق طلبانه و دمکراتیک آن را در غرض سلسله‌ای پیشمرگان، در انهدام پایگاه‌های مزدوران رژیم و در ضربات پی‌درپی بر آنها از طریق مین گذاری در سیر ترده‌آنها و غیره، در هر

چنون آمیز خود را با ویران کردن خانه و کاشانه و مزارع زحمتکشان کردستان آشکار ساختند. این گلوله باران هیچ تلفات جانی و مالی در بر نداشت.

امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که نه گسترش پایگاه‌ها و نه پورش‌های پی‌درپی و گسترده و نه گلوله باران جنون آسای روستا و شهرهای کردستان و نه هیچ چیز دیگری، رژیم جمهوری اسلامی را در رسیدن به اهداف پلید خود یاری نخواهد رسانید و این رژیم ددمنش را هر روز بیشتر از روز پیش و در تقابل آشکار با اراده خلیل ناپذیر خلق کسرد در با تلاق مرگ و نیستی نسرو خواهد سپرد.

پیروز بساد
مبارزه قهرمانانه خلق کسرد!

هرچه گسترده‌تر بساد
اتحاد عمل نیروهای انقلابی!

سنگ بر سر
امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا و
پسایگاه داخلیش!

سرتگون بساد
رژیم جمهوری اسلامی،
سرقرار بساد
جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - شاخه کردستان
۲۷ مرداد ۶۳

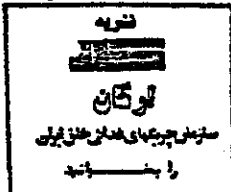
عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

طنی یک عملیات جسورانه پایگاه جاله‌هی در منطقه بانه درهم کوبده شد.

دو پایگاه دشمن "کوزلی" و "باقوت‌ناوا (مقوت‌آباد)" را مورد حمله قرار می‌دهند. تیم اول پیشمرگان به محض نزدیک شدن به پایگاه، کمین مزدوران را کشف و سراسیمه سلاحهای خود می‌گیرند. همزمان با آن تیم دیگر خود را به ۲۰ متری پایگاه دشمن رسانده و آتشی بی‌وقفه و سلاحهای سنگین پایگاه را به شدت می‌کوبند. این عملیات به حدی عاقل کننده و سرتی آسودگی مزدوران رژیم دست و پایی خود را

طنی عملیات متهورانه پایگاه مزدوران رژیم واقع در محور جاده بانه - سردشت توسط پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درهم کوبده شد. این عملیات در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۲۷/۵/۶۳ انجام گرفت که طی آن یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان طنی سرنامه طرح ریزی شده، سراسیمه از چند پایگاه دشمن، از سه طرف پایگاه "حاله‌هی" واقع در بین

کم کرده، دیوانه وار به هر طرف شلیک می‌کردند. در همین اثنا و در شرایطی که هنوز مزدوران رژیم در تکان پی‌بودند، تیم دیگری از پیشمرگان حمله مجدد را به پایگاه شروع کرده و برای بار دوم پایگاه را مورد تیرگی قرار می‌دهند. در جریان این عملیات جسورانه که یک ساعت به طول انجامید، تعدادی از مزدوران کشته و خسارات زیادی به پایگاه وارد آمد و پس از اتمام آن پیشمرگان سالم و پیروز ماندان به پایگاههای خود بازگشتند.



عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

فی یک عملیات کمربندگذاری ۶ تن از مزدوران تاسین جاده به هلاکت رسیدند. و مقادیری سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد. از صبح ۳

درسوم مردادماه ۱۳۶۳
پیشمرگان فدائی با همکاری
پیشمرگان حزب دمکرات کردستان
ایران، طی عملیاتی هماهنگ در
منطقه بانه مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی را زیر رگبار
آتش مسلسلهای خود گرفته، ضربه
خردکننده دیگری را بر آنها
وارد ساختند و
رژیم جمهوری اسلامی را یک بار
دیگر با آئینه ای که در هسر
گوشه کردستان در انتظار اوست
روبه رو ساختند...
رژیم جمهوری اسلامی که با
مرفا مسکانات گسترده و با تمامی
توان خود میگوید در کردستان
قهرمان به اهداف بلید خود دست
- باید و برای رسیدن به
اهداف خود از هیچ کاری
فروگذاری نمیکنند، با تمامی
تجهیزات و نیروهای انسانی که
در سرتاسر کردستان در خدمت
سیاست ارتجاعی خود گرفته است
نه تنها نتوانستند در اراده
خلق قهرمان کرد سینی بررهایی
از ستم ملی و ایجاد جامعه ای
دمکراتیک، کوچکترین خللی
وارد آورد، بلکه هر روز
بیشتر از روز پیش خود را در
با تلاح جنگی درگیر ساخته است
که برای او هیچ چشم انداز روشنی
در آن وجود ندارد. رژیم دهها
و حتی صدها هزار نفر را در گوشه
و کنار کردستان در جاده های آن
در کوهها و در تمامی شهرهای آن
سفر ساخته است. به تصور
این که از این طریق بتواند
تردد پیشمرگان مسلح خلق کرد
را کنترل نماید. و محدود سازد.
ولی در عمل رژیم در هر کجای
کردستان که پا گذاشته است به
خدنی برای گلوله های پیشمرگان
قهرمان خلق کرد تبدیل شده
است و عملاً پای خود را بر روی
گلوله های مذاب پیشمرگهان
نیاوده است.

روز سوم مرداد ماه نیز
پیشمرگان سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران به همراه
دسته ای از پیشمرگان نیروی
شهبان وردی (دسته شهبان
رحمان غفوری) طی یک عملیات

قهرمانانه و برنامه ریزی شده،
از ساعت ۵ با مداد جاده شوی-
نژو در منطقه بانه راتحت
کنترل خود در آورده، به کمین
مزدوران رژیم نشستند و در ساعت
۹ با مداد تاسین جاده را به زیر
آتش مسلسلهای خود گرفتند و
همزمان با این حمله قهرمانانه
دسته ای دیگر از پیشمرگان نیز
بایگاه نژو را زیر رگبار
سلاح های خود گرفتند. این
حمله هماهنگ جتان مزدوران
رژیم را سرایمه و غافلگیر
ساخت که امکان هرگونه
عکس العملی را از آنها سلب
نمود.

طی این عملیات مسورانه،
۶ نفر از افراد تاسین جاده
به هلاکت رسیده، و تعدادی از
آنها زخمی گردیدند. که هویت
۲ تن از کشته شدگان به نامهای
فاضل جمشیدی فرمانده، سید
بایگاه نژو اهل سربند ۲ و
حسین تربتی سبجی شناسایی
گردید.

علاوه بر مزدورانی که در
کمین پیشمرگان به هلاکت
رسیدند، در حمله به بایگاه نیز
تعدادی از آنان به هلاکت
رسیدند و زخمی شدند که از
تعداد آنها اطلاع دقیقی در
دست نیست.

در این عملیات غنائم زیر
به دست پیشمرگان افتاد:

- ۱- ۳ ژ ۲ قیفه
- ۲- ۲۳ ز ۶ عبده
- ۳- فشنگ ۳ ۱۲۰ عبده

بعد از این عملیات
قهرمانانه، در حالی که
مزدوران رژیم از هر گوشه ای به
نگارو افتاده بودند و سراسیمه
اطراف خود را به نوب و خمپاره
سینه بودند، تمامی پیشمرگان
سالم به بایگاههای خود
بازگشتند.

تمامی واقعات های کنونی
حملات روز افزون و مسورانه
پیشمرگان خلق کرد دیگر آشکار
ساخته است که کمین پیشمرگان
حمله آنها به بایگاههای دشمن،
سین گذاری بر سر راه تیردد
مزدوران آن و ... عملیات

بایگاهها و مراکز استقرار رژیم
را به زندانهای مرگ تبدیل
نموده است. رژیم جمهوری
اسلامی که خود ارمغانی به جز
کشتار و سبازان و ویرانی
برای خلق کرد نداشته است و
تمامی سلاخیای جنسی خود را
برای تجدید و احیای ستم ملی
در کردستان به کار گرفته و
میگیرد، اینک روزی نیست که
خود به آماج کینه نژودان خلق
کرد تبدیل نکند، ضربات
خردکننده ای را نوش جان نکند
و ضربات پی در پی و تشرک
روز افزون پیشمرگان گویای این
واقعیت است که رژیم هیچگاه
نخواهد توانست به اهداف بلید
خود دست یابد.

بیروز بساد
مبارزه قهرمانانه خلق کرد!
هر چه مستحکم تر بساد
اتحاد عمل نیروهای انقلابی
علیه رژیم جمهوری اسلامی.
مرگ بساد
امپریالیسم جهانی بدر کردنی
امپریالیسم امریکای
ببایگاه داخلس.
سرتئون بساد
رژیم جمهوری اسلامی
سرتقار بساد
جمهوری دمکراتیک کردستان!

سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - شاخه کردستان
۶۳/۵/۷

باشگاه چریکهای فدائی خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق
و مراکز انتشارات و مطبوعات

کمکهای مالی دریافت شده

ندراسیون ترکیه
مارک
۲۶۰۰

۲۸ شهریور

شهر و فرمان چریکها علیه خلق کرده
از صفحه ۱

تا شهر مبارزات آن در سراسر ایران و جنم انداز همبستگی کارگران و زحمتکشان خلقهای تحت ستم ایران با خلق قهرمان کرد فرمان جهاد را صادر نمود و اقدام جنایتکارانه خود را تحت پریش های دروغین و با انگاه به عقب مانده ترین بخش توده ها به پیش برد. هدف اصلی پیورش رژیم تسخیر شهرهای کردستان و جلوگیری از تسلیح توده های ریشخ و ارتقاء آگاهی توده های خلق کرد و تحت کنترل در آوردن کردستان بود که به دستگیر مستحکم دفاع از دستاوردهای قیام مبدل گشته بود. طی همان چند روز اول حمله سراسری رژیم به کردستان منتهی از مردم سیدفاح که اغلب از زنان و کودکان بودند در زیر رگبار هلی کوبتها و خمپاره باران شیرها به شهادت رسیدند. در مدت کوتاهی ترور و سرکوب اسباب وسیعی به خود گرفت. دادگاههای چندین طبقه ای خلقالی جنایتکار برپا گردید و فرزندان انقلابی خلق کرد در شهرهای مختلف دست بسته در برابر جوخه های آتش قرار گرفتند. رفقا فدائیشان خلق، بویف کشی زاده و جیره های قدیمی سازمان و مبارز خستگی نا پذیر در زندانهای شاه، شریار و احسن ناهید، جمیل یغالی، آموزگار هرمز گرجی بیانی، دکتر ابولقاسم رشوند برداری بزرگ انقلابی و دیهانت دیگر از رفقا و هواداران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی به اتهام سازش نابذیری و دفاع از آرمان انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد به جوخه های اعدام سزیده شدند. یورش ۲۸ مرداد به کردستان انقلابی ترسو و خست رژیم از گسترش قدرت عمل توده ها را آشکار ساخت. در طول مبارزه برای سرنگونی شاه، انقلاب توده های زحمتکش را در سراسر ایران به جریان مبارزه گشاده بود و شوربویی را در درون آنها بیدار کرده و خواست و آرمانیهای سرکوب شده آنها را به سبیل بنیان کنی مبدل ساخته بود و در جریان توفنده خود، دیگت توری پیلوی رابه گسور

سزیده بود. توده ها گمان می بردند و انتظار داشتند تا هر آنچه که در دوران شاه سرزندگیشان سایه افکنده بود و یا لیا با درد و زجر فشار مضاعف آن را تحمل می نمودند، با واژگونی رژیم به بلوی به گور سپرده خواهد شد. توده ها بی عدالتی اجتماعی و ستمی را در وجود رژیم به بلوی متبلور می دیدند و بنا از میان رفتن آن، خواهشان نا بودی تمامی مظالم استغری و معاشی بودند که رژیم شاه مظهر عیان آنها بود.

خلق قهرمان کرد نیز که همچون خلقهای سراسر ایران، با هدف از میان بردن شرایط نیکت بار زندگی در جامعه ای که در آن از همه حقوق و آزادیهای دمکراتیک خود بی بهره مانده بود و علاوه بر تمامی ستمهای موجود ستمی نیز برینت او شکنجی می کرد، به پا خاسته و همچون گذشته درخشان خود در مبارزه علیه رژیم به بلوی قاطعانه به پیش ساخته بود و در طول نخستین ماههای بعد از قیام برای گسختن ستمین سرنوت و از میان برداشتن نابرابریهای موجود، بنا برینت های دیرینه و ارزشند مبارزاتی خود، به پا خاسته و با تسلیح عمومی کنترل تمامی شهرها و مناطق کردستان را در دست گرفته بود خلق کرد با تمامی شور مبارزاتی به ارتقاء و گسترش دستاوردهای قیام پرداخته بود و در طول چند ماه عمر رژیم جمهوری اسلامی با درگیریهای پراکنده با آن برخاسته بود و همچون دیگر خلق های تحت ستم ایران که از ستمی چندین ساله رنج می برد، پس از سالها حقارت و سرکوب مقهور و عده و وعده های سران رژیم جمهوری اسلامی نگشته و بنا بی اعتمادی به رژیم خمینی قاطعانه در مقابل آن ایستادگی نموده بود.

رژیم که از همان ابتدا فاقد کوچکترین پایگاهی در بین توده های خلق کرد نبود کوشید تا با به راه انداختن دارو دسته های وابسته خود و جذب مزدوران محلی، افرادی را بسد دروغ نمابندگان خلق کرد معرفی نماید تا شاید بتواند در مسیر خواستهای توده های زحمتکشی انحراف ایجاد نموده و بسد اهدافش دست یابد. اما جنس انقلابی در کردستان هر روز اوج تازه ای می یافت و شکوه مندتر

از پیش و با آموزش از تجارب تلخ گذشته پایه های راسخ مباحث و براهدات انقلابی دمکراتیک خود هر چند ستم با فشاری می نمود و بدین ترتیب به دژ مستحکم علیه هرگونه بازگشتی به وضعیت نیکت بنابر گذشته مبدل می گردید و این همچون خاری در چشم رژیم که خواهان احیای گذشته در پیوستش انقلابی به نام مردم علیه مردم بود، ترس می رفت. این بود راز درونی جنون نهفته در فرمان جهاد خمینی و دارو دسته او حمله گسترده به کردستان، حمله به آزادیهای دمکراتیک توده ها و حقوق منتج از قیام بهمین بود که رژیم از همان فردای به قدرت رسیدن گام به گام در جهت سلب آنها قدم برداشته بود. به همین دلیل یورش رژیم تنها به کردستان محدود نگردید و عملاً سراسر ایران را دربر گرفت و اسباب جنون آسای آن حتی توده های متوهم را نیز گسخت و سهوت ساخت. حکومتی که با وعده آزادی به میدان آمده بود، خود به ذبح آزادی پرداخت. حکومتی که در عمل پای خود را جای پای رژیم گذشته می نهاد و بر علیه زحمتکشان کردستان فرمان جهاد صادر می کرد، نه تنها حقوق حقه آنها را به رسمیت نمی شناخت، بلکه پاسخ خود را با ستون نظامی، هواپیماهای بمب افکن و توپ و تانک روانه خانه و گاشانه خلق کرد می نمود.

حمله به کردستان، حمله به انقلاب بهمین و دستاوردهای آن بود. اولین پاسخ همه جانبه رژیم خمینی به خواست عمومی زحمتکشان خلقهای سراسر ایران بود و به عنوان نقطه عطفی در ستمگری قطعی رژیم جمهوری اسلامی که از همان آغاز راه و مسیر حرکت آن روشن بود، محسوب می گردید. اما این حمله با تمامی انعقاد جنایت بار آن با نکت قطعی مواجه گشت و رژیم نه تنها قادر نگشت مبارزه انقلابی دمکراتیک خلق کرد را سرکوب نماید بلکه خود زمینه های عینی و ذهنی رسوایی هر چه بیشتر ماهیت ضد انقلابی خود را فراهم ساخت و ناچار به عقب نشینی گردید. مقاومت دلیرانه و با ایستاداری ضرور آفرین خلق کرد در برابر یورشهای ناشستی رژیم، شرکت در صفحه و

۸ مهر داد

شهر روز جوان جهان علیه خلق کرده
از صفحه ۵

وسیع و حمایت مادی و معنوی مردم از جنگ سرنوشت و نبرد سنگر به سنگر فرزندان قهرمان خلق کرد باخیل عظیم نیروی سرکوبگر اعم از پاسداران و تیادهای ارتش شاهنشاهی و مپردهای ارتش شاهنشاهی، و سرنجمینی چون چمران (یکی از مسببین کشتار فلسطینیان در تل - زعترا) و تاثیرات مستقیم مقاومت حماسی خلق کرد بر روی توده های سراسر ایران باعث گشت تا رژیم به عقب نشینی تن دهد و از موضع تعرضی به موضع تدافعی دربیافتد و با اعلام آتش بس تنبیه مذاکره بدهد.

عجز رژیم و ورشکستگی سیاسی و نظامی اش، نشاننده شکست او در مقابل اراده استوار توده های انقلابی بود که هیچ چیز حتی سیمان ترسین سرکوب و کشتارها هم نتوانسته بود ظلی در آن ایجاد نماید. عقب نشینی رژیم در مقابل اراده انقلابی توده ها اگرچه موقتی بود و ضد انقلاب تلاش می کرد تا فرمتی دیگر به دست آورد و تمامی نیروی جنبشی خود را برای پورشی گسترده تر به کار اندازد. لیکن گام بزرگی برای جنبش انقلابی خلق کرد و در نتیجه تمامی خلقهای ایران بود و بیانگر این امر بود که قدرت متحد توده های زحمتکش چگونه می تواند حتی بزرگترین پورش های ارتجاعی را به شکست قطعی بکشانند.

توده های متحدیده، خلق کرد که طی سالها سنگینی بسیار طاقت فرمای ستم ملی و طبقاتی را بردوش می کشیدند، هرگز حاضر به ادامه زندگی در چهارچوب مناسبات و نظم ارتجاعی و پوسیده موجود در کردستان نبودند و برای نابودی این نظم ارتجاعی به مبارزه برخاسته بودند، به زودی به توطئه ضد انقلابی رژیم پی برده و به افشای آن پرداختند و از اهداف سرکوبگرانه و تدارکاتی که رژیم برای یورشهای آینده فراهم می نمود، پرده برداشتند، لیکن در همین عقب نشینی جنبشی انقلابی خلق کرد رشد وسیع و

روزافزونی نمود و آگاهتر، مسلح تر و مصمم تر و با استفاده از تجربیات جنگ گذشته بر آرمانهای انقلابی خود با فشاری نمود و جنبه های رادیکالتری به خود گرفت و سازماندهی عظیمی را برای نیروهای آینده (که تاکنون با قدرت تام و تمام ادامه دارد) را به انجام رسانید. یکی دیگر از دستاوردهای مهم شکست جهاد رژیم، رشد و ارتقاء جنبش توده ای در کردستان بود که به دنبال خروج نیروهای رژیم از شهرها، خود را در شکل های خاصی توده ای هم چون بنکدها و غیره آشکار ساخت. یکی دیگر از دستاوردهای این پیروزی موقتی اتحاد عمل نیروهای سیاسی در سرخورد با رژیم و تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد بود که با ارائه طرح مشترکی برای مذاکره با رژیم ضمنی طرحی که در شرایط کنونی رژیم از آزادیگالیسم شخصی برخوردار بود و مضمون انقلابی این جنبش عظیم را منعکس می نمود و تبلور اراده یک پارچه کارگران و زحمتکشان خلق کرد بود.

هیات نمایندگی خلق کرد، خواست حق طلبانه جنبش انقلابی را به رژیم دیکته نمود و رژیم در هر اس مرگی، از این خواست که هیات تنگین و اهداف بلند او را که همانا سرکوب جنبش انقلابی و دفاع سرخخانه از منافع زمینداران و سرمایه داران در منطقه وحامی و حافظ بنیان نظم ارتجاعی موجود بود، آماج خود قرار داده، در تدارک جنگی برآمد که امروز پس از گذشت پنج سال هنوز در تمامی عرصه ها و در سراسر خاک خونین کردستان با شدت ادامه دارد و نه تنها رژیم را به اهداف خود نرسانده است، نه تنها بر اراده استوار خلق کرد ظلی وارد نساخته است، بلکه عزم بولادین توده های زحمتکش خلق کرد را برای احقاق حقوق حقه خود هر چه بیشتر جزم کرده است. نه تنها جنبش خلق کرد تضعیف نگشته است، بلکه هر روز بیشتر از روز پیش منجم گشته و به قدرت خارق العاده ای در مقابل با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

در مبارزه برای سرنگونی آن مبدل گشته است.

* * * *

چرا نه می آید

بی تا که نم ...

تا شه و روزی، هزاره کان

مازی خنده، را و نه کن

بؤ لیری لادی و شاره کان

که شهوم دی ...

شهوما ... منیش، وهکو شهوان

وهکو شهقی، گلته گتیم ...

وهکو شاره قدی تاوجهوان

لداخواه، بی تا که نم .

بی تا که نم

بیکه نینم، هرگز نیایی

تابه جوی خوم نه نینم

له هدر لایی

لاقاری تاگر بزینی ...

جهوما وهکان ...

راستبونهوه و یاخی بونی

دیل و شهونو جهما وهکان

شه پچرینی، کوت و زنجیر ...

را شه مالی .

گه نچینهی سرما به داره کان

که شهوم دی

شهوما ... منیش

گهرم ... بدتاو

بهسته شه لیم ... بی تا که نم .

له دیار کوت و بهندی شکا و

مه دولله به شیرو



گومله

مشکل دیروز...

از صفحه ۲۴

خود جای بحث دیگری دارد! اما آدم وقتی که به درددل های چکر خراش گومله در این زمینه گوش فرامیدهد، یاد بیچاره دن کیسوت مرحوم می افتد، که با سلاح تخیلات خود به جنگ ادعیه و اوراد شیطانی میشتافت و مضحکه خاص و عام میگردید و از هر "فتح ظفر نمونی" که با پرچم پیوسته و فرق شکافته بر می گشت، به رجز خوانی جدیدی پناه می برد و احساس می کرد بر نافع زمین استاده است و بدون وجود ذی وجود او، جهان از سر پیسندی پاک نخواهد گشت. و رسالت او، فتح مرزهای فتح ناشده، شر و بدی از طریق مبارزه با غول های خیالی است و نگار دیگر به افسانه های ترون سبزی شده پناه می برد و در تالیلی بطور آنکشتا غوغا ور شده غرق شادی می گشت. و یوشاد روی موفقیت خود را از مردمگان بر می گرفت و واقعیت را وامی نهاد و دوباره روز از نو، روزی از نو.

حال و روز گومله هم از دن کیسوت ساده لوح چیزی کم ندارد، اوله در دو سال گذشته مشغول پیچیدن نسخه های سهند و تکرار ادعیه و اوراد ایسن محفل روشنفکری در میان دهقانان کردستان، به نام "مارکسیسم انقلابی"، "کمونیسم" و "تبلیغ کمونیستی" بوده است و پرچم از رونق افتاده، "مبارزه با پوپولیسم" و "سبک گسار پوپولیستی" را، از قهرمانان فاقد هویت و دن کیسوت های محافل مبارزه با "سبک گسار پوپولیستی" دریافت داشته و پس از این با تهنیت "جکسانی" گفته اند توده هانمی فهمند" و "جکسانی از اشاعه، علنیسی کمونیسم می ترسند" بدون آنکه درک کنند محبت بر سر شیوه چنین تبلیغی است! مبلغین خود را به میان دهقانان فرستاده بود که با خطابه های آتشین، درباره مفاهیم شام "کمونیسم" "اشتمار"، "پرولتاریا" به شیوه خاص خود و بدون در نظر گرفتن به "سبک کار پوپولیستی" و عطف توجه به شناخت ذهنیات و ظرفیت عینی توده ها مشعل کمونیسم را

در برتو سلسل های دهقانان افروخته بگیدارند تا او با استکاء به "زادخانه" نشوریک خود یعنی محفل "تپند" در انترناسیونال نوینی را در جهان پایه گذاری نماید و نسه تنها کردستان و ایران بلکه تمامی جهان را به زیر سیادت اما مزاده، کمونیسم - که تاکنون کسی به رویت آن موفق نشده است و در بستوی نشوریک سهند و آتش سلاح های گومله کشف گردیده است - مستفیض گرداند، اینک دست و پای خود گومله را در پوست گردو گیر انداخته است که هیبات "اعتبار مبارزاتسی گومله" دارد، و شبقه، "تبلیغ غیر اصولی" می شود و مبلغین او که با نوشاد روی سهند به جنگ تباهی رفته اند، به جای "افتخار" توده های "اعلام موضع" در قبال آنها و به "ساکت نمودن و وادار کردن آنها به سبب سر انداختن"، برداخته اند. و بدین وسیله "سبک کار پرولتاریائی" فاضلان سهند را با و لخرجی از کسبه، "اعتبار" گومله (که چند مباحی نیست ادای کسک را در می آورد)، عقلی ساخته اند.

اگر گومله در همین حدم اشکالات ناشی از عدم تعادل و بی وزنی سیاسی - ایدئولوژیک خود را درک کرده باشد گام مثبت و مهمی بدیش برداشته است. ولی گومله که تا دیروز شعارها و اسباب درونی یک محفل و رشکته، روشنفکری را بر گرفته، پیاده کرده و دچار مشکلات عدیده گشته است و در عمل "سبک گسار پرولتاریائی" و "تبلیغ کمونیستی" آموزگاران فاضل او با شکست روبرو شده است، باید دید، چگونه با معطل خود بچورد نموده است و چه راه حلی دریافت داشته است؟

گومله اینک یک جرفش ۱۸۰ درجه ای کرده و آن روی سکه، دیروز خود را امروز به مبلغین خود تحویز نموده است و اعلام کرده است برخلاف "سبک گسار پرولتاریائی" و "تبلیغ کمونیستی" دیروز او، امروز هر عقیده نوی را که توده ها بپذیرند کمونیستی است و با این اقاضات فی البداهه همه را انگشت به دهان و حسرت زده ساخت، "مخموما" مبلغین ساده لوح خود را، به ویژه زمانی که می شوند گومله می گویند "مبلغ ما همواره باید به پیاد

داشته باشد که تنها عقاید نوی که می تواند توده گیر شود، عقاید کمونیستی است." از غم بود می برسد پس چراتا به مال این عقاید "نو" و "تاب" آنها توده گیر نشده است. اما آنها اگر کمی تامل کنند شیوخ نهفته در چنین اصل مهمی را می توانند به راحتی کشف نمایند.

به زعم گومله و نشوریکین - های سهند، هر عقیده ای را تنها به صرف نبودن و توده گیر بودن باید کمونیستی قلمداد کرد و تنها چنین عقایدی (یعنی کمونیستی) نیز هستند که توده گیر می شوند و لا غیر و هر عقیده ای که توده گیر شد (چون خلعت عقاید کمونیستی گومله تنها بودن در این زمینه است) آن را نیز می توان کمونیستی قلمداد کرد. گومله در این زمینه این بار با "سپرا انداختن" در مقابل ذهنیت توده ها برخلاف آوا نشوریک و بی اعتنائی دیروز خود در برخورد به ذهنیت آنها، امروز آنها را تند می تارد که از حزب توده شم چندگانه سی جلوتر میزند. مرحوم حزبتوده منتقد بود چون توده ها جمهوری اسلامی را قبول دارند پس جمهوری اسلامی انقلابی است. اما طبق تز گومله باید گفت، این جمهوری عظیم الشان کمونیستی هم بوده است چون توده ها آن را قبول داشته اند و تنها فرق اساسی که گومله و نشوریکین های فاضل او را از آن مرحوم جدا می کند گویا علاوه بر اختلاف بالا، بر سر صفت نبودن و کمینه بودن عقاید توده گیر است. اگر این مسئله را نیز در نظر بگیریم که "نو" بودن عقاید برای گومله و فقط در مقیاس کلی مطرح است و الزاماً فاقد تعیین های مادی مشخص در مبارزه جاری و صرفاً بر اساس درک ذهنی و جدا از شرایط زمانی و مکانی موضوع و موضع تبلیغ مطرح است و هیچ ارتباط خاصی با پایگاه مادی چنین عقاید "نو" بطور مشخص و الزامات مبارزه طبقاتی جاری و بستر مشخص آن ندارد، این اختلاف ساده هم محسوس شود. برای حزب توده هم سوبالیسم و مبارزه طبقاتی و پرولتاریا و غیره اموری کلی هستند تنها فرق درک حزب توده با گومله در این امر است که حزب توده آنچه بقیه در حمله ۸

ایرانون سیاست تخریب و الهلایم روستاها...

از صفحه ۳

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی، سازمانها و احزاب منطقه‌ای و سراسری است که در سرتاسر ایران و جهان به هر طریق ممکن مابیت ارتجاعی این سیاست را در میان توده‌های مردم افشاء نموده، مقاومت همه جانبه و اعترافات گسترده آنها را در مقابل این سیاست، سازماندهی نمایند. و از طریق افشای جنایات آن در گردستان انقلابی، آن را در انظار عمومی جهانیان و سوانمایند.

خلق تهران کرد!
خلقهای سراسر جهان!

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با افشای جنایات بی‌شمار رژیم در اقصی نقاط ایران به هر شیوه و هر طریق ممکن و با تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، سیاست ارتجاعی جدید آن را در زمینه تخریب و تخریب روستاهای گردستان با نکت قطعی مواجه

ساخته، و در این راه از هیچ کوششی فروگذار ننمائید. کارگران و زحمتکشان خلق کرده‌تپا بنا بدستیم خواست ارتجاعی رژیم منی سراسر بی‌خانمان نمودن آنها شده و روستاهای خود را تخریب نمائید، بلکه قاضیانه و با تمام نیرو و از هر طریق ممکن باید در مقابل آن مقاومت نموده و با اقدامات عملی در زمینه جلوگیری از به تحقق پیوستن چنین سیاست شومی تلاش‌های منبرجانه رژیم را عقیم گذارند. آنها می‌باید با تشکیل خود نظرها سنگ، اقدامات مشترکی را به صل آورده و سیاست رژیم را در سطح وسیعی افشاء نمایند و به هیچ وجه برخاست رژیم گردن ننهند.

سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان! با اعلام همبستگی با طبیعت شتمیده و مبارز کرد و تشکیلات مستبک‌ها و اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی، و از طریق افشای جنایات متعدد آن در گردستان و ایجاد غیر انسانی و ضد بشری جنایتی که هم‌اکنون در مردمان آن است، فریاد حق طلبانه، خلق تهران کرد را به گوش همه جهانیان رساننده و حامیان آن را بنا بر اساسی چینیان

رژیم سفاکی را در انظار عمومی جهان بیان رسواتمائید.
پیروز باد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد!
هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد عمیق مبارزات خلقهای سراسر ایران علیه رژیم جمهوری اسلام

سورگ بر سر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا ریایگاه داخلی

هر چه گسترده‌تر باد همبستگی بین السلی جنبشهای انقلابی و رهائی بخشش در سرتاسر جهان!

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی بسرتوار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان جریکونی فدائی خلق ایران - شاخه گردستان
۲۰ مرداد ۶۳



کومهله

مشکل دیروز...

از صفحه ۷

را که بطور کلی می‌بیند به آینده دور حواله می‌دهد و کومهله در حال حاضر وبدون توجه به شرایط و موقعیت خود و موضوع فعالیت خود، آنها را می‌خواهد بلاواسطه پیاده نماید، اختلاف در این زمینه هر چه باشد، نتیجه یکی است عدم درک ضروریات عینی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و نقش تاریخی او در مرحله کمونیستی انقلاب به طور مشخص.

حزب نوده با تمویق به محال نمودن تحقق سوسیالیسم، امر ترویج سوسیالیستی را و نیز رابطه دیالکتیکی آن با امر تبلیغ را کلاً و در عمل نفی نموده، به شیوه‌های بورژوازی تبلیغ پناه می‌برد و کومهله را با جایگزین ساختن ترویج در جایگاه تبلیغ به نفع دیالکتیکی رابطه ایندومی‌رسد

این دو می‌برد و نهایتاً به شیوه‌های اوانتورستی و متافیزیکی تبلیغ متوسل می‌گردد. با زهم نتیجه یکی است، در اولی تحقیق بوده‌ها و در دومی تحقیر آنها جایگزین آگاهگری و سازماندهی مبارزات آنها می‌گردد و چون چنین تحقیری به دور شدن سریع مبلغین از توده‌ها می‌انجامد، ضرورتاً در یک دور تسلل تحقیق به جای تحقیر می‌نشیند و تمایلات خود به خودی توده‌ها به ادل کمونیستی شورسینمای کبیر کومهله تبدیل می‌شود.

کومهله از درک رابطه این مفاهیم کلی با الزامات مبارزه کمونیستی و نقش جایگاه تبلیغ و چگونگی آن در شرایط کمونیستی، بویژه در گردستان عاجز است. مشکل کومهله این است که بنا به ماهیت طبقاتی خود، با برخورد غلطی با این مفاهیم و با تبلیغ مارکسیستی و اصول کمونیستی سازماندهی توده‌ها

حول شعارهای مشخص و رابطه این شعارهای مشخص با شعارهای کلی که بیابانگر اهداف نهائی مبارزه پرولتاریا، و نه الزاماً بلاواسطه آن هستند. بیگانه است. کومهله هم از این روست که با شنا بزدگی خاص خود می‌خواست دهقانان گردستان را بلاواسطه کمونیست نموده و حول پرچم "حزب کمونیست" و "مارکسیسم انقلابی" سهیلد مشکل و آنکادره نماید و وقتی که موفق نشد آنها را به پذیرش "تنها عقاید خود" (که تنها عقاید کمونیستی هم گویا بودند) متقاعد گرداند، پس خود متقاعد می‌شود که هر عقیده نوری که توده‌ها بپذیرند، کمونیستی است. این است آنچه که کومهله امروز و به تازگی و برای بشیرد تبلیغ کمونیستی" اش ابداع نموده است

از کجا باید...

از صفحه ۱

خواهد کشید و هیچ تردیدی هم نیست که چنین دیدگاههایی در واقعیت عملی مبارزه محکوم به شکست قطعی است. ولی باید بر این امر اساسی توجه داشت که چنین دیدگاههایی می توانند چه تاثيراتي در شرایط کنونی از خود باقی گذارند و در سازمان دهی هماهنگ مبارزات توده ها چگونه انعکاس عینی پیدا می کنند و با پذیرش و تمکین به برنامه های بورژوا - رفرومیستی چقدر از رادیکالیسم جنبش کنونی در مواجهه با عوامل اصلی استمرار ستم ملی و بقا آن می گاهند؟ آیا راهگشای انجام کنونی جنبش خلق کرد بطور ارضی هستند یا برعکس؟

از سوی دیگر کومه له نیز با طرح استراتژی جداگانه برای خلق کرد و تصور کسب حق تعیین سرنوشت خلق کرد، در شرایط کنونی و تحت استبداد نظام موجود و عرفا با اتکا به نیروی محرکه خود، عملاً عدم درک خود از ستاره نقش و جایگاه جنبش انقلابی خلق کرد در جنبش سراسری و نیز ساله اساسی ارتباط تنگ آن با جنبش سراسری را به نمایش می گذارد. این امر نشان دهنده آن است که کومه له حتی نیروی محرکه خلق کرد را نیز به درستی درک

سراسری خلقهای ایران ندارد و بدون پیروزی سراسری بر نظم ظالمانه کنونی امر کسب حق تعیین سرنوشت خلق کرد دوراهی از ستم ملی میسر نیست و نیز روشن ساختیم که به خاطر درک محدود از همین ساله است که نیروهای سیاسی موجود در حرکت عملی خود با تناقضات متعددی رو در رو هستند که عامل اصلی شکست کنونی محسوب می گردد و خود حصول چگونگی درک از این ارتباط است و در این رابطه نیز به نقد دیدگاههای حزب دمکرات و کومه له و نیروی مهم و منطقی جنبش ملی خلق کرد، پرداخته و چگونگی برخورد آنها با این ساله را روشن نمودیم و گفتیم که از یک سو حزب دمکرات با استدلال خود در این زمینه و عرفاً منطقی محسوب داشتن جنبش انقلابی خلق کرد و محدود نمودن شعاع مبارزات آن را بهوشنگهای بنزای پذیرش هر نوع برنامه عملاً موجود مبدل می سازد و در نتیجه این استدلال خود را تحت نظر ذهنی منزوی می نماید و سپس به دنبال هر چرایی که او را از این انزوا به در آورده و برای اولین بار حق خودمختاری خلق کرد را به رسمیت بشناسد (هان مضمون آن گویا مهم نیست) راه می افتد، اشتکاف می کند و غیره و بدین وسیله برای تمام سلطات محدود خود در امر رهائی ملی میدان عملی پیدا می کند، بدون آن که آئینده این جنبش را به عنوان یک چیزی از کل ارگانیک مبارزه کنونی خلقهای سراسر ایران با مضمون و محتسواي مشخص آن در نظر گیرد و تاثير سیاست های خود را نه تنها در جنبش خلق کرد، بلکه حتی در کل جنبش انقلابی امروز ایران به طور مستقیم و غیر مستقیم مدنظر قرار دهد، آنگاه نه با آنگاه نه میدان به تعابلاتی می دهد که حتی در صورت کسب پیروزی نیز چشمانداز روشنی برای خلق کرد ترسیم نخواهد کرد. بلکه عملاً این خلق مبارز را در ورطه جنگ دیگسری و به گونه دیگری، به چارمیخ

می سازد، نه نیروی محرکه این پتان خلق به تنهایی، بلکه اساساً قدرت محرکه مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است، و نیروی محرکه خلق کرد تنها در این چارچوب و در توازن درونی آن می تواند قدرت عمل گسترده یا محدود داشته باشد. خواهان سونیونی قطعی رژیم کنونی یا خودمختاری در چارچوب حتی رژیم موجود باشد، این امر بدون هیچ تردیدی تابع افت و خیز جنبش انقلابی در سراسر ایران است. جنبش انقلابی در گردستان سرنوشتی جدا از سرنوشت آن در سراسر ایران ندارد.

این است آن اصل مسلمی که می باید در خطوط برنامه های امروز بر روی آن تاکید کرده چیزی که در برنامه "حزب دمکرات با "دمکراسی برای ایران" انعکاس پیدا کرده است و گامی به پیش محسوب می شود، هر چند دمکراسی حزب دمکرات یک دمکراسی کلی و نامشخص و نهایتاً راهگشای هیچ چشم اندازی نیست (و ما قلاً با آن برخورد مشخص نموده ایم) ولی حزب دمکرات حتی با درک غیای خود از این ساله، اهداف برنامه های خود را عرفاً به "خودمختاری گردستان" محدود

آن قدرتی که کسب پیروزی قطعی را ممکن می سازد نیروی محرکه این با آن خلق به تنهایی، بلکه اساساً قدرت محرکه مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است و نیروی محرکه خلق کرد تنها در این چارچوب و در توازن درونی آن می تواند قدرت عمل گسترده یا محدود داشته باشد.

نکرده است. و کومه له با تاکید روی "نیروی محرکه" خلق کرد و بیرون راندن نیروهای اشغالگر رژیم و غیره در حقیقت تلاش دارد موضوع تعیین سرنوشتی خود را در این زمینه، شوربزه نماید، بی گمان وقتی که از پیوند ارگانیک جنبش خلق کرد با جنبش سراسری و ارتباط لاینفک آن، سخن گفته می شود، کومه له نفسی خودمختاری را از درون آن بیرون می کشد. کومه له مسائل استراتژیک جنبش کنونی را تا حد تاکتیک های برخورد و شکل و شیوه برخورد تنزل می دهد، تا

نموده است، این نیروی محرکه نه تنها می تواند و می باید روی پای خود بایستد و همانطور که تاکنون بوده است و در آئینده نیز بایستد عنوان یک عامل درونی توازن نیروها را در سطح سراسری به نفع جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران تغییر دهد، بلکه می باید با درک اهمیت این ساله، هر گونه پیشرفت و یا عقب نشینی خود را نیز در ارتباط با جنبش توازنی ارزیابی نماید. مشکل اساسی کومه له این است که از درک این رابطه متقابل عاجز است. و این که آن قدرتی که کسب پیروزی قطعی را ممکن

از کجا باید...

از پاسخ صحیح و اصولی به آنها
ظفره برود. رابطه متقابل
جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش
سراسری را از مضمون دیالکتیکی
آن تهی می نماید، و تا آنجا که
تأثیرات متقابل آنها را ملاحظه
و عمل جنبشی فرض می نماید تا
از پاسخ به این امر مسلم ظفره
برود که نهایتاً آیا این نیروی
محرکه مبارزه طبقاتی در سراسر
ایران است که جنبش کنونی را
یکپارچه و به هم پیوسته به
اهداف پیروزمند خود نزدیک
می سازد و خلق کرد با هر چه
فعال تر نمودن این رابطه و
ظهور آن (رابطه) می تواند به
اهداف انقلابی - دمکراتیک خود
به طور کامل دست یابد یا اینکه
با اتکا صرف به نیروی محرکه
خود، تأثیر متقابل بین جنبش
سراسری و جنبش انقلابی خلق کرد
می تواند در تعیین این یا آن
تاکتیک برخورد تحت تأثیر این
شکست یا آن پیروزی جنبش را
در حد معینی توضیح دهد، ولی
نمی تواند استراتژی مبارزه
کنونی را بطور کامل منعکس
نماید. نیروی محرکه به تنهایی
قادر به تدوین مبارزه کنونی با
افت و خیزهای محتمل آن هست،
و می تواند و می باید روی پای
خود بایستد، ولی نافی نقش
تعیین کننده پیروزی قطعی
کارگران و زحمتکشان سراسر
ایران در مبارزه طبقاتی جاری
نیست. چیزی که کومه له از درک
آن عاجز است و نیز با حرکت از
جنبش نقطه عزیمتی است که در
برخورد به نیروهای انقلابی و
ارائه یک برنامه و سازماندهی
مشخص باز می ماند و رادیکالیسم
خود را در عمل فدای اتوپسیسم
خرده بورژوازی خویش می نماید.
در برنامه از همه چیز سخن می گوید
ولی در عمل از انجام آنها باز
می ماند. در حرف اتحاد عمل با
نیروها را می پذیرد، ولی در عمل
هیچ اقدام مشخصی در این مورد
نمی تواند انجام دهد. و در دور
و تسلسل درک و آروغ خسود

سرکچه می خورد.
بدون هیچ تردیدی منافع
کارگران و زحمتکشان خلق کرد
ایجاب می کند که در شرایط خطر
کنونی برای هر چه مستحکم تر
نمودن صفوف مبارزه کنونی
چشم اندازهای روشن و قطعی و
واقعی در قبال جنبش تسوده ای
قرار داده شود، مضمون واقعی
حرکت کنونی تسوده ها در ارائه
چنین چشم اندازهایی منعکس
گشته و در جهت تمسک هر چه بیشتر
آن سازماندهی برای تحقق آن
گام برداشته شود. این امر غیر
نیست مگر از طریق ایجاد
هماهنگی های ضروری حتمی در
ابتدائی ترین اشکال ممکن آن
برای هدایت جنگ کنونی، بر
بنیان اهداف انقلابی -
دمکراتیک تسوده ای جنبش
و نهایتاً در چارچوب برنامه ای
که از یک سوا اهداف عمومی مبارزه
سراسری کارگران و زحمتکشان
خلقهای ایران را در خود منعکس
نموده و در برتوان چگونگی حل
مساله ملی بطور اعم و خلق کرد
به طور اخص را روشن نماید و از
این طریق، از یک سو درک
مشترک از سازماندهی مبارزات
کنونی تسوده ها را در تمام سی
زمینه ها، در اشکال برنامه ای آن
تسلط نماید و هم راه عملی
خود را برای انجام هر چه بیشتر
و برتوان تر مبارزه کنونی،
ارائه نماید. هر نیروی به سهم
خود موظف است، با عزیمت از
منافع مشخصی خلق کرد و مبارزه
قهرمانانه آن در راه کسب
حق تعیین سرنوشت، وظائیف
مشخصی در مرحله کنونی را روشن
ساخته و انجام عملی آن را در
دستور روز خود قرار دهد. این
امر به مفهوم عدم وجود هیچ گونه
برنامه ای در شرایط کنونی
نیست. ولی هما گونه که قبلاً
نیز گفتیم برنامه های موجود،
خود معطل مهم دیگری در سراه
ایجاد هر گونه تحولی در شرایط
کنونی هستند و وظائیف آینده
به طور مسلم از نقد وضعیت
کنونی و برنامه های موجود
کنونی می گذرد و ایجاد ایسن
برخوردها و چگونگی آنها نه تنها
خود بیانگر امکانات موجود در
گونه حرکت آتی هستند، بلکه
از نقطه نظر پیشرفت آینده
جنبش نیز از اهمیت درجه اولی

بسرخوردارند.

— وضعیت کنونی و ضرورت
برخورد با آن

در شرایط حاضر آنچه که
قبل از همه به چشم می خورد، عدم
وجود یک حرکت هماهنگ در
مقابله با رژیم جمهوری اسلامی
و پراکندگی انرژی موجود جنبش
خلق کرد و در نتیجه عدم
یکپارچگی در اراده عملی آن
است که در واقعیت پیشتر
مبارزه کنونی تجلی می یابد.
این امر ادامه خودبخودی
وضعیت گذشته این جنبش است،
جنبش انقلابی خلق کرد علی رغم
تعمای پیشرفت های خارق العاده
در زمینه ادامه قدرتمند
مبارزه در تمامی عرصه ها، در
زمینه ایجاد یک قدرت متمرکز
و در نتیجه ایجاد کیفیت جدید
و آگاهانه ای در بهره جویی از
انرژی و توان موجود خود
نتوانسته است موفقیت حسابی
چندانی داشته باشد. به عبارت
دیگر عرصه تشکیل آگاهانه اراده
استوار خلق کرد فرسنگها دور
از پیشرفت و اعتلای نیروی
بالقوه آن در عرصه عینی است.
توده های زحمتکش خلق کرد و نیز
پیشمرگان مسلح آن، توان و
پتانسیل بسیار بالایی در ادامه
مبارزه طولانی خود، در تحویل
پنج سال گذشته، از خود پیروز
داده اند. ولی این اراده تجلی
خود را در وحدت عمل نیروهای
که این اراده را می نمایند
نمایشگری کنند، نیافته است.
و انرژی موجود نه به سبب
ضرورت که به دلخواه این یا آن
نیرو و در جهت خاص مورد نظر
آن، سازماندهی گشته است و چه
بسیار بخش عظیمی از این انرژی
نیز در عمل به هدر داده، با
به پیش خود به خودی آن واگذار
شده است. این امر خود را در
تعمای زمینه ها آشکار ساخته
است. مهم ترین موردی که جنبش
پویشی می توانست به امرا آگاهانه
مبدل کرده، سازماندهی قدرت
توده ای در کردستان انقلابی
بود که در پنج سال گذشته کمترین
توجهی از سوی نیروهای موجود
به آن مبذول نگشته است. کنترل
مناطق آزاد بدلیخواه این یا

هر چه گسترده تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

از کجا باید ...

آن نیرو و بدون هیچ گونه برنامه عملی و چنانندازی صورت گرفته است، بدون آن که حتی فکر این امر هم وجود داشته باشد که قدرت آینده را از همین امروز و در همین شرایط و با مصالح موجود باید سازماندهی کرد و به توده های زحمتکش به عنوان اهرم قدرت فردا که هر روز بیشتر از روز پیش از طریق سازماندهی باید توان آنها را در تمامی عرصه ها ارتقاء داد نگریسته شود. برخاسته از نیروهای سیاسی موجود با امر سازماندهی توده ها، برخوردی کاملاً پراگماتیستی و حقیقتاً بی هدف بوده است. کافی است نگاهی به سرنوشت شوراهای موجود روستاها و بخشها که در طول پنج سال گذشته بازی کرده اند و با آنچه راکه از آنها انتظار میرفته و عملاً خواسته شده است و هزینه روستایی به تناسب نفوذ خود در منطقه ذی نفوذ به آنها تحمیل کرده است، ببینیم. واقعیت دردناکی را خواهیم یافت که خود تیلور آشکاری از آینده بی برنامه وضعیت کنونی خواهد بود. کافی است از سازماندهی اجتماعی - اقتصادی کردستان از سوی نیرو - های ذی نفوذ پرسیده شود و این که این امر چگونه و در چه عرصه های صورت گرفته است، عملاً با پاسخ قانع کننده ای، روبه رو خواهیم شد. آنچه که تا به امروز در کردستان انقلابی کمتر صورت گرفته است چنین اقداماتی است، اقداماتی که برای تداوم مبارزه کنونی در تمامی ابعاد آن الزامی و غیرقابل انکار است. اقداماتی که با سازماندهی امکانات مادی و انسانی جنبش انقلابی خلق کرد، تداوم پر قدرت آن را به طور استراتژیک تضمین نموده، از یک سو الگوی چنانندازی آینده را در پیش روی آنها قرار می دهد و از سوی دیگر در لحظه کنونی جنبه تدارکاتی جنبش انقلابی را در زمینه های مالی - تدارکاتی از یک سو با پیشبرد شیوه های حاصل بخش تداوم در کردستان و از سوی

دیگر با ایجاد زمینه هر چه بیشتر مقاومت توده ای و دامن زدن آگاهانه به آن، تضمین می نماید. چیزی که تنها راه اصلی تا مین آینه جنبش است. در این عرصه از فعالیت نه تنها کار قابل توجهی صورت نگرفته است و اگر هم گرفته، تنها از سوی این با آن نیرو در

ایجاد ارگانهای توده ای و سازمان دهی قدرت توده ای به عنوان منبع اصلی انرژی مبارزه کنونی به عنوان پایه های اقتدار آینده، امر اساسی تداوم مبارزه کنونی را تشکیل میدهد. ارگانهای که نه تنها سازمان پیروزی های فردا و تثبیت آنها، بلکه سازمان بقای قدرتمند مبارزه کنونی نیز هستند.

منطقه نفوذ خود، آن هم صرفاً در زمینه تشکیل صوری شوراهای به عنوان مراکز قدرت این با آن نیرو و غیره. بوده است، بلکه تاکنون حتی اقدام عملی خاصی نیز در جهت تبدیل چنین شوراهای به قدرت واقعی توده ای انجام نیافته است و به عنوان امری که باید یکبارچه و اصولی در تمامی کردستان و با برنامه هماهنگ عملی گردد، به آن عطف توجه نشده است. اگر چه هر کدام از نیروها در منطقه نفوذ خود، هم چون یک دولت عملاً عمل کرده اند و می کنند، ولی این عملکرد راتنها در موارد خاصی به کار بسته اند و آنها از کانال سازمانی یا حزبی خود و هیچ گاه در این اندیشه که حقیقتاً باید وظائف یک قدرت انقلابی را در تمامی زمینه ها و در اداره اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه کردستان از همین امروز برعهده گیرند، کوچکترین تلاشی هم نکرده اند. در کردستان امروز دیگر سازماندهی توده ها بیش از آن که نیازمند تبلیغ و ترویج در میان آنها باشد، مستلزم اقدام عملی مشخص در انجام چنین کاری است. و ایجاد ارگانهای توده ای و سازماندهی قدرت توده ای به عنوان منبع اصلی انرژی مبارزه کنونی به عنوان پایه های اقتدار آینده،

امر اساسی تداوم مبارزه کنونی را تشکیل می دهد. ارگانهای که نه تنها سازمان پیروزی فردا و تثبیت آنها، بلکه سازمان بقای قدرتمند مبارزه کنونی نیز هستند. و زیر ساخت اصلی آن را تشکیل می دهند و پایه های مادی آن به قویترین شکل خود، هم اکنون در جنبش توده ای زحمتکش این مرز و بوم یک واقعیت عینی است. ما منکر تناقضات موجود در میان نیروهای که هر کدام منافع معینی را در جنبش کنونی با شدت و ضعف خود دنبال می کنند نیستیم و نه تنها معتقد به سرپوش گذاشتن به آنها نیستیم، بلکه خواهان عرصه آنها در مقیاس توده ای و در کانسال مشخص خود یعنی ارگانهای توده ای و سازماندهی توده ها بر اساس آنها از سوی چریکها که باشد نیز هستیم. این امر به هیچ وجه نه تنها به عنوان عامل پراکندگی نمی تواند باشد، بلکه در وجود ارگانهای توده ای کانال مشخص خود را پیدا کرده و عملاً به نقطه تحول کیفی این ارگانها از طریق پیشبرد دمکراتیک مبارزه درونی می گردد. آنچه که مقدم بر تمامی این مسائل اهمیت حیاتی دارد ایجاد آن دمکراتیسم پایدار توده ای است که خود موضوع این اختلافات و بستر پیشرفت اصولی آنها نیز هست. ساله مهم این است که نیروهای سیاسی در کردستان باید به این مسأله اهمیت اساسی بدهند که اگر بخشی از وظیفه آنها سازماندهی جنگ کنونی در تمامی ابعاد آن است، بخش اعظم وظائف آنها را برداختن به امور مربوط به استمرار این مبارزه و آن هم نه در شکل کنونی و پراکنده و عملاً خود به خودی آن، بلکه در گسترده ترین شکل آن تشکیل می دهد. برخلاف آموزش در تجربه عملی جنگ پنج ساله گذشته، این آموزش در سایر زمینه ها نمود عینی نیافته است حتی در عرصه پیشبرد جنگ کنونی نیز به یک کیفیت نوینی که بتواند بیانگر تغییری اساسی در شیوه های پیشبرد جنگ کنونی باشد، عملاً ارتقاء نیافته است و اگر همین چیزی جزا از سوی این با آن نیرو صورت گرفته باشد، در مقیاس

از کجا باید ...

وسعی و درجهت تبدیل آن به یک واقعیت قدرتمند که تجلی خود را فقط در ایجاد اراده، زاهد مبارزاتی آشکار می سازد، هیچ اقدام مشخصی صورت نگرفته است و چشم انداز آن نیز کمتر مشهود است.

استمرار و تداوم هر چه قدرتمندتر مبارزه کثرتی، ایجاد می کند که به مسائل جنبش توده ای توجه بیشتر و آکیدی شده و این امر بیش از این دیگر تحت الشعاع منافع گروهی و یا حزبی این مسائل آن نیرو نگردد و اهمیت جدی این امر هر چه بیشتر درک گردیده و به عنوان تنها راه تداوم قدرتمند سازماندهی مبارزه خلق کرد و پیشبرد اصولی حتی کار سازمان نگران، گروهی و تبلیغ وسیع توده ای در نظر گرفته شود. آنچه که اساسی و مهم است، به رسمیت شناختن این ارگانها به عنوان پایه های استوار مبارزه کثرتی و هدایت آگاهانه آنهاست. ارگانهایی که نه تنها امروز و در شرایط کنونی حیاتی است، بلکه برای آینده و بنیان قدرت دمکراتیک و انقلابی خلق کرد در فردای پیروزمند نیز امری ضروریست. باید از همین امروز توده ها را در ارگانهای خاص خود متشکل و مسلح نمود و به عنوان پایه های قدرت انقلاب بر آنها متکی شد و رژیم جمهوری اسلامی را نه با قدرت پراکنده آنها بلکه با قدرت متشکل آنها روبه رو ساخت و متناسب با چنین سازماندهی، نیروهای مسلح خلق کرد را نیز به سوی یک هدایت متمرکز کانالیزه نمود. در تحقیقات پایه ای ترین اساسی قدرت توده ای فردا را بنیان گذارد و اراده و توان موجود را متناسب با ضرورت های حیاتی جنبش سازماندهی کرد. و حقیقتاً به پیشرو توده ها ارتقاء یافت و از همین امروز حق انتخاب دمکراتیک را به میان توده ها برد و دمکراسی واقعی را سازماندهی کرد، و اهمیت وجودی آن را در تداوم مبارزه کثرتی درک نمود. حرکت از جنبش

موضع برخوردی به واقعیت است کثرتی جنبش توده ای است که می تواند در زمینه های مختلف با زتاب عینی خود را متناسب با شرایط کثرتی روشن سازد، و در عرصه های مختلف نیز ابتداء روشنی به خود بگیرد.

آنچه که در برخورد به سه ساله ایجاد ارگان های اقتدار توده ای و وارد نمودن عنصر تشکل توده ای به مبارزه کثرتی و سازماندهی امکانات بالقوه خلق کرد در این زمینه و میدان دادن به ابتکار عمل توده ها، ممداتی عینی داشت، در عملکردهای هماهنگ شبیرویی پیشمرگه نیز عیناً صادق می باشد. اهمیت این امر که در مقابل رژیم جمهوری اسلامی می باید هر چه متشکل تر و متحدتر و در نتیجه هر چه قدرتمندتر عمل نمود، چیزی است که اگر چه در حرف اکثر نیروهای سیاسی بر آن اذعان دارند، ولی در واقعیت هیچ گاه باز شناخته نشده است. معضلات موجود در سر راه تحقق این امر هر چه که باشد نمی تواند منافع مبارزه کثرتی را تحت الشعاع خود قرار دهد و نباید دهد، اگر چه باید به این حقیقت تلخ معترف بود که چنین شده است و گاه حتی به جای ایجاد اتحاد عمل دیدگاه های موجود، در عمل به درگیریهای خونین بین دوی نیروی مهم منطقه ای یعنی حزب و کومه له نیز منجر شده است ولی آنچه که امروز مهم است تا سال گذشته نیست، بلکه بنیان آینده ای است که نه تنها گذشته را نفی کرده باشد، بلکه در واقعیت استمرار را برای تکرار هرگونه اعمالی از نوع گذشته مدو نماید، و چشم اندازهای روشنی را نیز برای آینده بازگشاید.

ما منکر این واقعیت نیستیم که در شرایط کثرتی بسیاری مسائل گریز دیگری در روابط فیما بین نیروهای سیاسی وجود دارد که می باید به آنها عمیق تر پرداخته شود، لیکن هیچکدام از مسائل مورد اختلاف نیروهای درگیر مانعی بر سر راه ایجاد زمینه های همکاری مشترک در تقابل با یورش های رژیم جمهوری اسلامی ایجاد نمی کند و ما نیز معتقد به تجدید مساله به این امر نیستیم، لیکن آن را الزامی و در شرایط کثرتی عملی و عاجل می دانیم. درک

این مساله مهم است که در زمینه امور حیاتی جنبش نیز هیچ نشانه ای از چنین اقدامی به چشم نمی خورد. به طور نمونه در طول دو سال گذشته که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین تهاجمات را به مناطق آزاد کردستان انجام داده است در مقابل آن و برای پیشبرد برخورد هماهنگ با یورش های رژیم هیچگونه برنامه مشترکی حتی در سطح منطقه ای پیش برده نشده است و علیرغم آنکه هر کدام از نیروها به طور رسمی هرگونه اتحاد عملی را در جهت تأمین منافع جنبش خلق کرد رد نمی کنند و حتی مصوبه های گوناگون نه تنها در این زمینه حتی در زمینه تعیین خطوط خود مختاری کردستان بطور مشترک برای دفاع بکیرانه از این مطالبات (کومه له، ضمیمه پیشرو شماره ۵ صفحه ۹) را نیز صادر نموده و امر قابل تحقیق قلمداد می کنند (صادر عملی بودن چنین کاری تردیدی نداریم)، باید دید چرا چنین طرحهایی عملی نشده است و چه عواملی سد راه رسیدن به وحدت عمل مشترک در محدوده کثرتی جنبش خلق کرد هستند و چرا؟

از کجا باید آغاز کرد ؟

اگر نیروهای سیاسی در برخورد به مسائل توده ای، و پیشبرد جنگ کثرتی حرکتی در جهت ارتقاء جنبش به سطحهایی در نگردانند و یا حداقل چشم انداز روشنی در این زمینه ارائه نمی دهند، اصولاً دلایل آنرا باید در برنامه های موجود آنها و در برخورد آنها به مسائل اساسی انقلاب که با زتاب عملی خود را بلاواسطه در هر دو زمینه فوق برجای می گذارد جستجو کرد و وقتی که حزب دمکرات کردستان ایران طرح خود مختاری شورای ملی مقاومت را به عنوان بهترین طرح ممکن در شرایط کنونی مطرح نموده و تبلیغ می نماید، طرحی که مفاد آن هیچگونه مابینتی با اهداف رادیکال جنبش کثرتی ندارد و صرفاً در چارچوب بیار معزوری در نظر دارد که به مساله ملی در کردستان پاسخ بدهد، طرحی که در آن هیچ گونه اشاره ای نه تنها

از کجا باید ...

سدارگان های اقتدار تسوده ای شده است ، بلکه حتی به نیروهای مسلح کنونی خلق کرد و سرنوشت آینده آنها یعنی نیروی پیشمرکه نیز در آن آشکارا توجهی نگشته و حتی نامی از آن برده نشده است . طبیعی است

که ساله سازماندهی و هدایت جنبش تسوده ای نیز ندهد عنوان یک امر راهگشا بلکه به عنوان یک معطلی که فردا می تواند در برابر اجرای چنین طرحی عرض اندام کند ، نگریسته شود . طرحی که نه به شیوه دمکراتیک و از طریق اعمال اراده خود تسوده ها ، بلکه از طریق اعمال اراده بوروکراتیک نظم حاکم در تبدیل یافته ترین شکل آن ، می خواهد به ساله رهائی ملی پاسخ خود را بدهد که در حقیقت نه تنها پاسخی نیست ، بلکه و قطعا می توان گفت شیوه دیگری برای سرپوش نهادن برنا برابری و ستم موجود است . اشتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت طبیعتا قادر نبوده و نیست که جنبش کنونی خلق کرد را نادیده بگیرد و طبیعتا به همین دلیل ساده نیز مجبور است که راه دیگری برای نفسی ارزش های آن جستجو کند و این طرح معمول چنین تلاشی است . حزب دمکرات اگر بر اهداف جنبش خلق کرد و بر مضمون مبارزه کنونی پایگاه وسیع خود وفادار بماند ، باید در جهت نفی و ابطال چنین طرحی و گرویدن به یک طرح دمکراتیک و انقلابی حرکت کند و بدین وسیله یک گام عملی به سوی ایجاد یک اتحاد مبارزاتی عمیق و سازماندهی متناسب با آن بردارد .

گروه له نیز علی رغم تاکید بر روبرو به جای خود بر ارگانهای اقتدار تسوده ای ، همچون شوراهای مسلح زحمتکشان خلق کرد و جانبداری از اقدامات دمکراتیک و انقلابی در حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خلق کرد ، حتی در مناطقی تحت نفوذ خود نیز نتوانسته است اقدام عملی خاصی در جهت زمین انجام داده ، این ایده خود را چه در

سازماندهی تسوده ای و چه در عرصه برنامه های به اراده مادی تبدیل نماید . برعکس با تفرین غرده - بورژواشی خود و با تاکید بر سازماندهی غیر واقع بینانه ای که فاقد مضمون تسوده ای و صرفا یک سازماندهی بکنار رستی است و نیز اراده یک برنامه عمیقنا ناسیونالیستی و کاملا غیر عملی تنها در ذهن خود و بداهه های خاص خود پروبال داده است . سازماندهی تسوده ای را باید به مادیت عینی مبدل ساخت و

اجتناب ناپذیر و حیاتی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد پاسخ روشن داده شود این امر میسر نیست مگر از طریق یک حرکت آگاهانه و هدفمند و اراده یک برنامه انقلابی - دمکراتیک همه گیر که بتواند در عین انعکاس مضمون اساسی جنبش کنونی ، هرگونه گرایش انحرافی در سطح جنبش ملت کرد را منزوی ساخته و راه را برای یک اتحاد عمیق و استوار مبارزاتی در این مرحله از

ضرورت های عملی امروز جنبش انقلابی خلق کرد ، ایجاد میکند که با نقد هر چه تا طمانه گذشته جنبش و نفی اساسی نقاط ضعف آن و خط بطلان کشیدن بر آنچه که امروز سد راه تحول انقلابی و کینی در روابط موجود بین تسوده ها و نیروهای سیاسی در درجه اول و نیز به تبع آن روابط نسیابین نیروهای انقلابی است . مسیر حرکت آینده را روشن تر نموده ، به ضرورت های اجتناب ناپذیر و حیاتی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد پاسخ روشن داده شود .

برای انجام چنین هدفی برنامه امری ضروری است ، ولی صرف تاکید بر برنامه کافی نیست . اگر برنامه در عمل تجلی خود را پیدا نکند یک شعار تو خالی پیش نخواهد بود . بهر حال آنچه که امروز در عرصه سیاسی خود را آشکار می یازد ، به شدیدترین وجهی انعکاس خود را در پاشین نسیب پیدا کرده است و همانطور که در عرصه اشتلاف ها و اتحادها و عدم اتحاد های برنامه های و غیره ، بی هدفی و تهی از مضمون واقعی و با انحرافی بودن خود را نشان می دهد ، در سازماندهی تسوده ها و نه صرفا نیروهای وابسته به این با آن جریان سیاسی ، به مادیت غیر قابل انکاری مبدل گردیده است که اساسا نمی تواند به عنوان یک عنصر فرما بنده جنبش نادیده گرفته شود .

ضرورت های عملی امروز جنبش انقلابی خلق کرد ، ایجاد میکند که با نقد هر چه تا طمانه گذشته جنبش و نفی اساسی نقاط ضعف آن و خط بطلان کشیدن بر آنچه که امروز سد راه تحول انقلابی و کینی در روابط موجود بین تسوده ها و نیروهای سیاسی در درجه اول و نیز به تبع آن روابط نسیابین نیروهای انقلابی است ، مسیر حرکت آینده را روشن تر نموده ، به ضرورت های

مبارزات ، نه تنها خلق کرد ، بلکه در تمام خود ، خلقهای سراسر ایران ، هموار نماید برنامه های که چه در سطح ملی و چه در سطح جنبش سراسری مبدل خاص خود را ارائه داده ، در ارتسی آن را در موجودیت ارگانهای اقتدار تسوده ای از همین امروز به مادیت عینی مبدل ساخته و در دومی نخستین گامهای اساسی را برای ایجاد آن برداشته و جایگاه واقعی منافع کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و اهداف مشترک مبارزاتی آنها را در این مرحله خاص و از هر ملیتی ، در برگیرد .

چگونه برنامه های و چرا ؟

هر برنامه ای در شرایط کنونی حقانیت خود را فقط و فقط از مبارزات تسوده ها و تحلیل عینی دستاوردهای این مبارزات و آموزش از تجربیات تاریخی آنها ، می تواند بگیرد . آموزش از تجربیاتی که امروز دیگر چندان دور نیست و با تمامی وجوه مشخصه خود در انقلاب ایران و در حرکت قدرتمند تسوده های زحمتکشان خلق کرد ایران و نیز از تجربه و زحمتکشان سراسر ایران در طول پنج سال گذشته ، در مقابله با رژیم جدید متبلور گردیده و امروز در

از کجا باید ...

مرحله حساس و کیفی نوینی قرار دارد که لازمه ادامه آتی آن و هرگونه چشم انداز روشن برای آن، به کارگیری آموزش عملی آن در طول چندسال گذشته است.

برهیچ کس پوشیده نیست که اهداف عمومی جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران در دوران پرتلاطم روزهای قبل و بعد از قیام بهمن، تا به امروز هنوز به عنوان اهدافی عاجل و مبهم در رأس مسائل مورد نظر جنبش قرار دارند و جنبش توده‌ای در تمامی عرصه‌های خود هنوز هم همان اهدافی را دنبال می‌کند که در قیام بهمن ماه دنیای سال می‌کرد. تنها نقطه افتراقی که امروز را از دیروز جنبش کنونی جدا می‌سازد، آموزش عملی توده‌ها در پروسه طولانی درگیریهای حاد طبقاتی پنج سال گذشته و دستاوردهای مبارزه طبقاتی جاری در حادترین شکل آن است که جنبش امروز را نسبت به جنبش سرنگونی رژیم شاه از کیفیت نوینی برخوردار می‌سازد. بیش از پنج سال مبارزه حاد و خونین طبقاتی که بسیاری از نقاط ضعف جنبش دیروز را در عمل نفی نموده است و خط و مرزهای طبقاتی را هرچه روشن‌تر و آشکارتر ساخته است و جنبش کارگران و زحمتکشان در طول این پروسه پرکشاکش و مداوم گام‌های بلندی را در جهت شناخت اهداف خود برداشته است و آنچه را که در آستانه قیام بهمن و در روزهای بعد از آن به عنوان یک امر مبهم و کلی یا خودبه‌خودی مطرح بوده است، امروز در عمل و بطور مشخص تجربه کرده است. جنبش توده‌ای امروز دیگر گذشته بی‌چهره خود را نفی نموده است و بدیل آن را از خود آشکار ساخته است. امروز دیگر جنبش برخلاف بهمن ۵۷، در حرکت عملی خود به پویایی آگاهانه در جهت دستیابی به اهداف و آرمانهای خود گام گذارده است. اگر در آستانه قیام بهمن برای توده‌های انقلابی مشغول

دمکراسی یک امر کلی بود، اگر برای آنها ساله حق تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود در تمامی زمینه‌ها یک امینر بدیهی و غیرقابل بحث شمرده می‌شد و تنها در جنبش حقیقی دیکتاتور شاه قلمداد می‌گشت، امروز دیگر چنین نیست. امروز دیگر تجربه عمیق مبارزه خونین خود، برای احقاق چنین حقوقی از فردای در هم شکستن دیکتاتور پهلوی تا به امروز را، با تمامی شکست‌ها و پیروزیهای آن، پشت سر دارند. آنها در جریان عملی همین چند سال گذشته توهم دمکراسی بطور کلی را پشت سر گذاشته‌اند و در عین حال دمکراسی به‌طور مشخص را نیز تجربه کرده‌اند، آنها یک بار برای همیشه طمس بازگشت به روزهای گذشته، حتی دهستان‌تر از آن را تیزنه‌تنها تجربه، بلکه با تمامی تلخی آن هر روز بیشتر از روز پیش لمس کرده‌اند. آنها در مکتب مبارزه طبقاتی آموزش دیده‌اند، آنها دیگر تن به قضا و قدر دادن را برای همیشه به‌گور سپرده‌اند. اگر برای کارگران و زحمتکشان تمام ملیت‌های ایران سرنگونی رژیم ارتجاعی پهلوی عین رهایی از فقر و بدبختی، مساوی‌بارهایی از فلاکت روز - افزون و ورشکستگی و خانه‌خوابی و دست یافتن به حقوق دمکراتیک خود بود، اگر برای خلقهای تحت‌ستم، سرنگونی رژیم شاه به معنی رهایی از سلطه جابرانه مملکتی و نابرابری موجود قید و بندهای ناشی از چنین ستمی بود و کمتر کسی بود که به این واقعیت‌ها جواب مشخص دهد و نیروهای سیاسی نیز از چنین برنامه‌ای برای ارائه مشخصی چشم‌انداز آینده ناتوان بودند، امروز دیگر وضعیت عمومی جنبش به گونه‌ای دیگر است، امروز دیگر سیاست عمومی طبقات اجتماعی در عرصه فعالیت آگاهانه سازمان‌های سیاسی، با زتاب عینی خود راپیدا کرده، خط و مشی‌های معین طبقاتی شکل گرفته است و عامل اصلی ادبای و بدبختی توده‌ها و حافظین و تقدیس‌کنندگان آنان در سطح جنبش نیز بازشناخته شده‌اند. برخورد به این امر حیاتی که چرا علیرغم سرنگونی دیکتاتور شاه، دوباره دیکتاتور پهلوی متجرب‌تری برقرار گشت و بر چه

اساسی و پایه‌ای، امروز نه تنها مشخص شده است، بلکه حقیقی چونگی برخورد به این تجربه عملی توده‌ها مضمون اساسی خط و مشی‌های معین طبقاتی کنونی را نیز تشکیل می‌دهد. توده‌ها در تجربه روزمره خود و در اغت و خیزهای پرشتاب جنبش به نتایج گرانبار و ارزشمندی دست یافته‌اند، آنها دیگر امروز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را مساوی با دست یافتن به آرمانها و اهداف دمکراتیک خود قلمداد نمی‌کنند. امروز برای آنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دیگر به مفهوم کسب آزادیهای دمکراتیک، رهایی خلقهای تحت‌ستم از قید و بند مملکتی و بطور خلاصه، خودبه‌خود موجد یک جامعه دمکراتیک نیست.

امروز دیگر برهیچ کس پوشیده نیست، به همان اندازه که با بدروی سرنگونی رژیم کنونی و انهدام وضعیت موجود و پایه‌های قدرت چنین رژیم‌ها تاکید نمود، باید به همان اندازه که با بدروی سرنگونی رژیم کنونی و انهدام وضعیت موجود و انهدام وضعیت موجود، تاکید نمود، امروز این امر تنها در سطح نیروهای انقلابی مطرح نیست، امروز این امر دیگر به خواست و اراده عمومی توده‌های زحمتکش سراسر ایران مبدل گردیده است.

اگر مشخصه اصلی جنبش سرنگونی رژیم شاه، در وجوه اساسی خود، خودبه‌خودی بودن آن بود، مشخصه بارز جنبش کنونی در اساسی‌ترین نمودهای خود برعکس سال ۵۷ آگاهانه و هدفمند بودن آن است. اگر جنبش قبل از بهمن ۵۷ یک جنبش نفی بود، جنبش امروز دیگر در وجوه اساسی خود یک جنبش اثباتی است. این امر اثباتی که در جریان قیام بهمن و در ابتکار عمل مستقل توده‌ها، خود را بطور پراکنده و نمونه‌وار آشکار ساخت و در تمامی عرصه‌ها مورد پیروش حاکمان جدید قرار گرفت، امروز به نیروی قدرتمندی در معادلات سیاسی ناشی از آموزش عملی توده‌ها، مبدل گردیده است. شکل سلخانه خلقهای تحت‌ستم یکی از تجلیات بارز این وجه از مبارزه توده‌ها

از کجا باید...

هنوز هم با قدرت هر چه تمامتر در کردستان انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را هر روز در گوشه‌ای با ضربات مرکب‌آر و پرو می‌سازد؛ خاطره شوراها و خلق ترکمن و رهبران قهرمان آن همچون اسطوره جاودانه در قلب زحمتکشان ترکمن محراب شعله می‌کشد. قدرت و ولایت شوراها و کارگری در کارخانه‌های بزرگ سراسر ایران و اقدام انقلابی آنها در معادله کارخانه‌های سرمایه‌داران بزرگ، و کنترل تولید و توزیع آنها، هنوز هم در ذهنیت تاریخی طبقه کارگر ایران به عنوان تجربه ای نزدیک و پربار زنده است. اعتصاب سراسری کارگران شرکت نفت و دستاوردهای آن هنوز هم بر تارک دستاوردهای درخشان جنبش طبقه کارگر ایران می‌درخشد؛ خاطره شورای سراسری شرکت نفت سازمانگر این اعتصاب که کمر رژیم پهلوی را شکست و عملکردهای متعدد آن هنوز هم نه تنها فراموش نشده است، بلکه هر روز زنده تر می‌گردد و به عنوان یک قدرت بالقوه در جنبش کنونی ایران محبوب می‌گردد.

اینها نمونه‌های حاشیایی از جدی ترین نطفه‌های پرتوان ایجاد یک جامعه دمکراتیک بودند که در قیام بهمن درخشیدند و بعد از آن نیز سه حیات خود ادامه دادند و هر کدام به نوبه خود و در بخشی از حیات اجتماعی کارگران و زحمتکشان ملیتهای سراسر ایران گوشه‌ای از جامعه‌ای را به نمایش گذارند که توده‌های انقلابی می‌توانند تحت چنان شرایطی بر اهداف انقلابی خود دست یابند و بتوانند سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خود را درست گیرند، امری که امروز در جامعه ما دیگر نیاز به اثبات ندارد.

توده‌های زحمتکش سراسر ایران بعد از قیام بهمن دیدند که چگونه دستاوردهای آنها به آسانی به تاراج رفت، چگونه نه تنها گذشته، بلکه بسیار بدتر از آن، احیا گردید،

چگونه جنگ‌های خونینی در همان فردای سرنوشتی رژیم شاه به خلق کرد و خلق ترکمن تحمیل گردید، چگونه خلق عرب قتل

عام گشت، چگونه شوراها و کارگری مورد یورش قرار گرفت چگونه دوباره زندان‌ها روز به روز پر از فرزندان قهرمان توده‌ها گردید؛ بساط شکنجه و پاره گشت، اعدام نه تنها انقلابیون، بلکه حتی مردم عادی نیز به یکی از امور

خلق قهرمان کرد، امروز دیگرش از هر زمان دیگری به این امر مسل و واقف است که وقتی که آزادی برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران وجود داشته باشد و وقتی که خلق ترکمن و خلق عرب در اختناق و تحت انقیادستم ملی به سر برند، علیرغم قدرت کنونی خود او نیز از یورش مرتجعانه حاکمیت سرمایه‌داری وابسته در امان نخواهد بود.

مداول در دوران جهل‌وری اسلامی مبدل گشت، انواع و اقسام قوانین ارتجاعی و ادعیه و اوراد قرون وسطایی از دل اعماق قرون بهیستاری طلبیده شد تا برگ محتوم سرمایه را به تاخیر اندازد. ابتدائی ترین حقوق نسبی از جمعیت کشور یعنی زنان طلب گردید، دانشجویان دانشگاهها به رگبار بسته شد، جنبش دانشجویی تارومار گردید، خلق کرد مورد یورش واقع گشت، و شهرها و روستاهای کردستان قهرمان یکی پس از دیگری بمباران گردید و عملاً در تمامی عرصه‌های فعالیت اجتماعی اعلام جنگ آشکاری به توده‌های انقلابی داده شد و به موازات آن و برای کاستن از شدت جنبش جنگی و انحراف مسیر آن، جنگ خارجی شعله ور گردید و هر روز تعداد بی‌شماری از فرزندان زحمتکشان را با تحمیل و نیرنگ و فریب به قتلگاہهای خویش کشانده و نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله را از پشت نیمکت‌های مدرسه به سوی جبهه‌ها روانه ساختند و در حلقوم خود بلعیده، ...

درست با پشت سرگذااردن چنین تجربه‌ای است که در عمل برای کارگران و زحمتکشان خلقهای

سراسر ایران درس‌هایی فراموش ناشدنی داده است، آنها امروز به آینده‌ای می‌اندیشند و در جهت ایجاد آن تلاش می‌ورزند که تجربه بعد از قیام بهمن تکرار نگشته، نه تنها بر مصائب امروز آنها نیفزاید، بلکه به همه آنها برای همیشه خاتمه بخشد.

برای خلق قهرمان کرد نیز مسل است که چگونه و در چه شرایطی می‌تواند به حق تعیین سرنوشت خود دست یافته، بروز هرگونه جنگی از نوع جنگ کنونی را غیر ممکن سازد، وجه عوامل مفصلی اجتماعی می‌تواند تعدی به حقوقهای تحت تسلیم را برای همیشه مدفون سازد؟

امروز دیگر برای خلق کرد، رهائی ملی یک مفهوم کلی نیست امروز دیگر خلق کرد بر اهمیت این امر آگاه است که چرا بعد

از سرنوشتی رژیم پهلوی، رژیم تازه به قدرت رسیده علیرغم آن که هیچ گونه نفوذ و اعتباری در میان توده‌های زحمتکش کردستان نداشته، علیرغم آن که هیچ گونه زمینه‌ای برای اعمال حاکمیت خود در کردستان نداشت، توانست چنین جنگ مهیب و ویرانگری را به خلق کرد تحمیل کرده، حقوق اولیه او را مورد یورش قرار دهد و برای آن که از تکرار چنین فاجعه‌ای در فردای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری نماید و احیای ستم ملی را به کور بسیاری، چگونه و چه کار باید بکند؟

خلق قهرمان کرد امروز دیگر بیش از هر زمان دیگری به این امر مسل و واقف است که وقتی که آزادی برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران وجود نداشته باشد و وقتی که خلق ترکمن و خلق عرب در اختناق و تحت انقیادستم ملی به سر برند، علیرغم تمامی قدرت کنونی خود او نیز از یورش مرتجعانه حاکمیت سرمایه‌داری وابسته در امان نخواهد بود. تنها زمانی که نظام ستم‌گرا نه حاکم که ستم ملی یکی از تنگناهای وجودی آن و محمول موجودیت آن است، درهم شکسته نشود و پایه‌های قدرت آن فرو نریزد، رهائی ملی و کسب حق تعیین سرنوشت برای او امکانپذیر نیست. واحیای و درک چنین

از کجا باید...

همسرنوشتی غیرقابل انکار است که امروز می باید حتی در جزئی ترین مسائل مربوط به سازماندهی هر چه قدرتمندتر مبارزه کنونی مدنظر قرار گیرد و بر اصول اساسی که بر مبارزه سراسری کارگران و زحمتکشان خلقهای ایران حاکم است، نه تنها تاکید هر چه بیشتر گردد، بلکه هرگونه برخورد غیرمسلولانه و انحرافی نسبت به این اصول که معمول و خونبهای مبارزه قدرتمند بوده، در طول سالهای طولانی است و تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر جهان در طول بیش از نیم قرن اخیر نیز بر آن صدها گذاشته است، خط و مرز روشن و جدی ترسیم نموده، راه را برای تحقق آن باز نماید. و نه تنها در اراده عملی خود بلکه در اصول برنامه های خود نیز بر آن تاکید هر چه بیشتر کند.

جنبش انقلابی خلق کرد، امروز باید علاوه بر تاکید اساسی بر اصول اولیه جنبش برنامه های خود با قدرت تمام به اعمال آنها بپردازد و از این طریق نه تنها در صفوف خود زمینه های قدرتمند اتحاد عمل های پایدار در مبارزه کنونی بین نیروهای مختلف سیاسی با هر نیرو و مسلکی و روش سیاسی ای، ایجاد نماید، بلکه این اتحاد عمیق را به وسیله واسطی برای ایجاد یک اتحاد سیاسی سراسری برای تحقق آرمان های انقلابی خلقهای سراسر ایران مبدل سازد و جنبش حرکتی را در برنامه عاجل امروز خود قرا ن دهد.

جنبش برنامه های درکلی ترین وجه خود می باید بر اصول اساسی زیر تاکید نماید:

۱- درهم شکنن پایه های نظامی، بوروکراتیک نظام حاکم اعم از ارتش و سپاه و بسیج دادگاههای انقلاب، بوروکراسی دولتی و جایگزینی آنها با ارگانهای اقتدار بوده ای اعم از شوراهای مسلح کارگران و دهقانان، سربازان و غیره در تمامی سطوح زندگی اجتماعی

۲- تضمین حقوق و آزادی های دمکراتیک توده ها به عنوان یک اصل بدیهی، شامل گسترده ترین آزادیها از قبیل آزادی بیان عقاید، حق تشکل برای تمام اقشار و طبقاتی که در انقلاب دمکراتیک ایران شرکت فعال دارند تا تصمیم گیری های اساسی در زمینه عزل و نصب مقامات منتخب توسط ارگانهای اقتدار توده ای که وجود آنها اساسی و بنیان ایجاد یک جامعه دمکراتیک است

۳- جدایی دین از دولت و حذف آن از برنامه کلیه موسسات آموزشی توده ای و غیره و امر خصوصی قلنداد نمودن آن و بدین وسیله لغو هرگونه بهره گیری از آن در جهت انقیاد کورکورانه و تحسین توده ها تحت هر نام و عنوانی و حذف آن از تمامی قوانین مدنی

۴- ضبط سرمایه های بزرگ و وابسته به امپریالیسم و سپردن کنترل تولید و توزیع در چنین موسساتی، به دست شوراهای کارگری، و تاکید بر ۴۰ ساعت کار و دوروز تعطیلی در هفته برای کارگران تمامی ملیتهای ایران

۵- ضبط املاک و ابزار و وسائل تولید ملکین و زمین داران بزرگ و انتقال آنها به دهقانان متشکل در شوراهای اتحادیه های دهقانی

۶- به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملل ساکن کشور کثیرالمله ایران تا حد جدایی کامل و تشکیلات دولت مستقل ملی، بدون هیچ گونه قید و بندی، و پیشنهاد اتحاد داوطلبانه تمامی ملیتهای سراسر ایران برای ایجاد جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران، بر اساس منافع آتی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در مبارزه طبقاتی جاری، و اعلام حق خودمختاری و سیج منطقه ای در چارچوب یک ایران دمکراتیک برای تمامی ملیت ها و بدین وسیله راه و مسیر آینده جنبش انقلابی خلق کرد را در ارتباط با جنبش سراسری خلقهای ایران مشخص نموده، و بر پایه جنبش اصولی نه تنها در وحدت درونی این جنبش، بلکه

در جهت اتحاد مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد با سایر خلقهای ایران گام بردارد. اگر اصول کلی چنین برنامه های اموری هستند که تحقق آنها در سراسر ایران می باید تضمین شود و به عنوان اهداف اولیه جنبش کنونی باید بر آنها تاکید نمود اصل ششم چنین برنامه های آن بخش مشخصی است که امروز در کردستان انقلابی باید پیرامون آن و چگونگی دستیابی به اهداف مندرج در آن تلاش هر چه بیشتری نمود، این امر از اهمیت تعیین کننده اصول اولیه برنامه فوق نه تنها چیزی نمیگاهد و آنها را به عنوان عاجل ترین اقدامات هرگونه مبارزه پیروزمند کنونی منتفی نمی سازد، بلکه اساسا تاکید بر آنها را در هرگونه ائتلاف و اتحاد با نیروهای سراسری به عنوان رکن اساسی و اولیه دوچندان می سازد. این اصول تنها موارد کلی ای هستند که لازمه هرگونه پاسخ روشن به مسائل کنونی جنبش انقلابی اعتقاد و بنای بنی به آنهاست. جنبش انقلابی خلق کرد هم اکنون در مبارزه بی مان و گسترده خود در اشکال مختلف همچون دیگر خلقهای سراسر ایران سرخشانه با ارگانهای ارتجاعی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی به ویژه نیروهای سرکوب آن مواجه است، و از یک سو از طریق آنها و به وسیله آنها سرکوب می شود، خانه و گاشانه او بمباران و توب باران می گردد، فرزندان دلیر او گروه گروه بدجوخه های اعدام پاسداران سپرده می شوند و از سوی دیگر هر روز و در هر گوشه ای از کردستان با تمام توان در جهت درهم شکنن آنها گام بر می دارد و هر یورش آنها را به ضد خود مبدل می سازد، و ضرورت درهم شکنن چنین دستگاه عربی و طویل سرکوب و اختناق را با گوشت و پوست خود لمس می کند، و انکار به قدرت خود را به عنوان تنها ضامن رهائی در حضور قدرتمند نیروهای مسلح خلق کرد تجربه می کند. و آزادی ها و حقوق دمکراتیک اولیه ناشی از حضور این نیروها را در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی در کمین است

از کجا باید...

زندگی امروز خود درک می نماید، و رهائی از قید و بندهای منبسط از هرگونه محدودیت های ناشی از زندگی در زیر سیطره یک حکومت متکی بر سرنیزه و پلیس و مذهب، راهم چون تنفس در هوای بهاری هرچند در محدود - ترین شکل خود احساس می کند، مسائلی که اساسی ترین حقوق مربوط به حق تعیین سرنوشت را تشکیل می دهند، و لازم است بر گونه شرکت دمکراتیک بوده ای در تعیین آن هستند.

عناصر اولیه یک تحول دمکراتیک انقلابی بدون تردید در حرکت کنونی و در شرایط حاد مبارزه کنونی گامی وجود دارد، آنچه که در کردستان انقلابی باید انجام گیرد تثبیت و گسترش آگاهانه آنها و تبدیل نمودن این امر به یک اهرم قدرتمند است، و تاکید بر آنها به عنوان پایه و اساس هرگونه حرکتی در جهت ایجاد انجام ضروری در شرایط کنونی است. این امر تاکید بر مضمون انقلابی و دمکراتیک مبارزه نه تنها کارگران و زحمتکشان خلق کرد، بلکه کلیه خلقهای ایران در مقطع کنونی رشد و شکوفایی مبارزه طبقاتی در جامعه بحرانی است، و هراشتلاف و اتحاد واقعی حول این اصول اولیه می تواند مفهوم انقلابی یافته و بیانگر پاسخ درست و اصولی به وظائف مبرم در قبال جنبش توده ای محسوب گردد. و اگر در شرایط کنونی مبارزه خلق کرد تاکید بر آنها یعنی اقدام عملی در جهت ایجاد ارگانهای توده ای و سازماندهی قدرات توده ای و از این طریق تضمین تمامی حقوق دمکراتیک توده ها است، در ارتباط با پیوند تنگاتنگ این جنبش با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تاکید بر نامه ای بر آنها در شرایط کنونی از اهمیت درجه اول برخوردار است.

خلق کرد با چنین معیارها و اصول برنامه ای است که متحدین واقعی خود را در عرصه مبارزه کنونی با شناخته و درجهت گسترش هرچه بیشتر مبارزه آتی علیه نظم حاکم و رژیم حامی آن می باید گام بردارد و نیروهای سیاسی موجود که مدعی رهبری مبارزه آنان هستند تنها با پذیرش چنین اصولی حقیقتاً نمایندگی سیاسی واقعی آنان را خواهند داشت. و هرگونه بی اعتنائی به این اصول در شرایط حاضر، مفهومی به جز قربانی کردن جنبش انقلابی در مملکت بورژوازی و به شکست کشاندن آن نخواهد داشت. جنبش انقلابی امروز در روند رو به گسترش خود، حدود کمالاتی و انقلابی بودن را به طور مشخص و در برخورد به معضلات اساسی مبارزه توده ای معین نموده است و در عمل اقدام انقلابی توده ها، به نیروی مادی غیرقابل انکاری مبدل ساخته است، امروز دیگر مدعی دمکراسی به طور کلی بودن در شرایطی که

اگر در شرایط کنونی مبارزه خلق کرد تاکید بر (ارگانهای اقتدار توده ای) یعنی اقدام عملی در جهت ایجاد ارگانهای توده ای و سازماندهی قدرت توده ای و از این طریق تضمین تمامی حقوق دمکراتیک توده ها است، در ارتباط با پیوند تنگاتنگ این جنبش با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تاکید بر نامه ای بر آنها در شرایط کنونی از اهمیت درجه اول برخوردار است.

دمکراسی در اشکال مشخص و ملموس آن، حتی هرچند در نطفه ای ترین اشکال خود را آشکار ساخته است، بدون تردید توهم پوچی است و طرفداران "دمکراسی برای ایران" باید روشن سازند که آنها خواهان در هم شکستن ابزار سرکوب توده ها یعنی ضد دمکراسی به مفهوم واقعی آن می باشند حافظ و ابیقای آنها و دمکراسی ای که آنها برای ای...

می خواهند از ویرانه های دستگاه بوروکراتیک - نظامی حاکم برمی خیزد یا از تعمیم و تعدیل دوباره و نهایتاً تقدیم بر مکرر آن، و گرنه این گونه برخورد های کلی گویای هیچ امر مشخصی نیست. مسائلی هستند که از تر نا آگاهی همه آنها پرداخته می شود و یا در پشت سر آن منافع طبقاتی معینی لانه کرده است. این امر همانقدر از خدمت به انجمن عمومی جنبش به دور است که گرایشات خود محورین که با ادعای دمکرات و انقلابی بودن در حرف، در عمل هیچگونه اقدام و عملکرد مشخصی برامون آنچه که ادعای آنها را اثبات نماید، از خود آشکار نمی یازند. و "دمکراسی انقلابی" را تنها در دفاع جنبش از منافع گروهی و دیدگاههای تنگ نظرانه خود، خلاصه می کنند.

آنچه که ضرورت مبرم روز است در هم شکستن محدودیت های ذهنی و عینی چنین گرایشاتی به نفع عینیت گسترده مبارزه طبقاتی پرولتاری است که امروز در هر گوشه خاک کشور کثیرالمله ما و بویژه در کردستان انقلابی با شدت و حدت هرچه تمامتری جریان دارد. این امر مبرم نیست مگر از طریق سازماندهی آگاهانه و فعال اراده توده ها در جهت تغییرات انقلابی اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی کنونی جامعه ایران، که به زندان کارگران و زحمتکشان ملیت های گوناگون و مرکز انواع و اقسام تنم و بی جنبی عمومی مبدل گشته است.

جنبش انقلابی خلق کرد با حرکت از چنین نقطه عزیمتی است که می باید به سازماندهی مشخص مبارزه کنونی و انجام هرچه بیشتر آن در تمامی عرصه ها گام بردارد. دیدگاه های بورژوازی را در صفوف مبارزه کنونی متفرد ساخته و مظهر نماید و از در غلطیدن به تاسیونالیسم گور و آراشه استراتژی جداگانه و منفک از استراتژی عمومی جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران اجتناب ورزیده، منافع حیاتی جنبش را در برنامه و عمل خود متبلور ساخته، بدین وسیله با نفسی

از کجا باید ...

عوامل تشتت کثرتی که در اشتلاف
ها و انفرادمنشی هسای
کثرتی خود را به منضمه ظهور
میرساند، راه را برای بسک
سازماندهی انقلابی و دمکراتیک
هوار نماید، و بدین وسیله
گام های موثری را در جهت ایجاد
اراده واحد مبارزاتی در عرصه
ملی و در عرصه سراسری بردارد.
این وسیله عاجل مبرم روز است.

از چه طریقی؟ و با چه مضمونی؟

اما چگونه می توان به چنین
اراده واحدی دست یافت؟ آیا
اراده واحد در مبارزه کثرتی
یک ایده آل دست نا یافتنی است
با پاسخی مشخص به ضرورت مبرم
جنبش؟

اگر حقیقتاً نیرو هسای
سیاسی به امر قانونمند تا مین
چشم اندازهای روشن جنبش و نگاه
به نیروهای مادی این جنبش،
اهمیت واقعی خود را بدهند و
تنها گانال تا مین جنبش
چشم اندازی را انگاه بی قید و شرط
به عوامل عینی جنبش کثرتی و
سازماندهی اصولی آن محسوب
دارند، بدون تردید دستیابی
به اراده واحد مبارزاتی در
جنبش خلق کرد نه تنها واقعیت
خواهد یافت، بلکه به اهرم
قدرتمندی در معادلات سیاسی
کثرتی و در مبارزه طبقاتی
جاری مبدل خواهد گردید.

شناخت اهداف جنبش کثرتی
و تعیین اصول اولیه آن در
مفاد برنامه های و فراخوان جهت
اتحاد و اشتلاف حول آنها - هر
چند در خطوط اساسی خود - اگر
گام اول چنین حرکتی محسوب
شود، بی تردید اقدام عملی
برای تحقق آنها در پاهای ترین
وجوه یا سازماندهی جنبش کثرتی
گام بسیار بزرگی است که اولی
بدون آن چیزی با در هوا و بی -
ارزش خواهد بود. جنبش کثرتی
دیگر آنقدر تجربه دارد که
اهمیت این امر را درک نماید
و شرایط کثرتی و دورنمای
آینده آن، نیز فرصت چندان
زیادی برای تعلل در تحقق این
امر باقی نمی گذارد.
نباید دچار این خطا گشت

که اراده واحد یک ایده مجرد
است، یا یک شعار بدون زمینه
مادی. اراده واحد امروز در
عمل خود را در مقابلیت خود
وسیع و در مبارزه بی آسما
خلق کرد به طور یکبارچه و
خلل نا پذیر آشکار می سازد.
اراده خلق کرد در دفاع از
حقوق دمکراتیک خود نه تنها

یکبارچگی و وحدت درونی خود را
به نحو افتخار آمیزی نشان
داده است بلکه در مقابلیت
حساس جنبش این امر واقعی به
نیروهای سیاسی نیز ظهور
اختلافات موجود، دیکته کرده
است، منافع کثرتی جنبش
نه تنها حفظ این اراده واحد و
یکبارچگی خلل نا پذیر کارگران
و زحمتکشان خلق کرد را ایجاد
می کند، بلکه اهمیت فزاینده
نمودن این اراده و تبدیل آن
به یک اهرم بالفعل توده ای را
نیز برای شناوم آتی جنبش
کثرتی مدجندان می سازد. این
امر میسر نیست مگر از طریق
طرح و برنامه روشن و حرکت
آگاهانه در جهت آن. چنین طرح
برنامه ای می باید در خطوط کلی

خود، اهداف کثرتی مبارزه خلق
کرد را در وجوه اساسی آن بطور
مشخص تزییر گرفته و بر آنها
تاکید نماید، و تمامی نیرو
های سیاسی در گردستان را ملزم
به اجرای آنها و پهای بند به
نتایج منتج از پذیرش چنین
برنامه ای بنماید.

بر هیچکس پوشیده نیست که
نخستین اصل حرکت به سوی ایجاد
هرگونه اراده واحد پذیرش
نقاط مشترکی بهر امان مسائل
عمومی جنبش و تدوین مسائل
برنامه اصولی برای گسترش
همکاری ها و همگامی های ضروری
جهت ایجاد چنین اراده ای است
به نظر ما چنین حرکتی در شرایط
کثرتی با پذیرش اصول اساسی
زیر در جنبش انقلابی خلق کرد
یعنی:

۱- کسب حق تعیین سرنوشت
از طریق درهم شکستن حاکمیت
سرمایه داری وابسته بسسه
امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم امریکا، و رژیم
حالی آن یعنی رژیم جمهوری
اسلامی در اتحاد مبارزاتسی
تنگاتنگ با کارگران و
زحمتکشان کلیه ملل ساکن
ایران.

۲- ایجاد زمینه های اتحاد
داوطلبانه ملیت کرد با
ملیت های سراسر ایران، تعیین
اساسی ترین خطوط خودمختاری
وسیع منطقه ای در چارچوب
ایرانی آزاد و دمکراتیک و
تعهد مشترک در تبلیغ، ترویج
و دفاع از این خطوط اساسی،
ثمن العین قرار دادن آنها
در شرایط و مطالبه آنها به
عنوان خواسته مشخصی خلق کرد با
توجه به ائت و غیر جنبش عمومی
توده ها در سراسر ایران.

۳- به کارگیری کلیه
امکانات وسیع و گسترده
توده های خلق کرد در جهت
بختیابی و تثبیت این مطالبات
از طریق شکل آنها در ارگانهای
مسلح توده ای همچون شوراهای
مسلح کارگران و زحمتکشان شهر
و روستا و ایجاد یک جبهه
دمکراتیک و انقلابی برپایی
این ارگانها.

۴- اداره امور کردستان
بر بنیان اصولی اساسی
خودمختاری خلق کرد و موازین
دمکراتیک و انقلابی و التزام
مشترک و همه جانبه به رعایت
بدون قید و شرط آنها، و کار بست
عملی آنها در شرایط کثرتی و
متناسب با وضعیت عمومی جنبش
و حرکت در جهت ایجاد تحولات
انقلابی - دمکراتیک در عرصه های
مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی،
اجتماعی خلق کرد، از طریق
ایجاد زمینه های مشارکت فعال
توده ها در پیشبرد مبارزه کثرتی
در تمامی زمینه ها.

می توان نقطه آغاز حرکتی باشد
که انجام درونی و یکبارچه
جنبش را تضمین نماید. آنچه که
اهمیت اساسی دارد، حرکت از
چنین نقطه عزیمتی می باید در
وله نخست خود را در امر
سازماندهی توده ای و نهایتاً
جنگ کثرتی با رژیم جمهوری
اسلامی آشکار سازد.

سازماندهی اراده بالقوه
و بتانیدل روبه تزیاید جنبش
توده ای در گردستان درجهت
هرچه مستحکم تر نمودن صفوف
مبارزه کثرتی، اساسی ترین
گام در جهت جامعه عمل پویانیدن
به یک اتحاد عمل پایدار است.
باید به این واقعیت اذعان داشت
که شکل گسترده و هماهنگ توده های

از کجا باید ...

به خودی خود صورت نمی‌گیرد ، بلکه یک امر آگاهانه و با برنامه از پیش تعیین شده می‌باشد . درست است که منافع حیاتی و عمومی توده‌ها آنها را به حرکت در جهت برآوردن این خواسته‌های اساسی می‌کشاند و حتی آنها در حد امکان خود ، تشکل های خلقی خود را نیز در محدوده معینی برای انجام این کار بوجود می‌آورند ولی این کار الزاماً آنها را به یک انجام همه‌جانبه و تشکل زار و هدمند ، رهنمون نمی‌گردد ، اگرچه ناخودآگاه ممکن است در مقاطع خاصی و در بخش‌های معینی چنین امری موقتا و تحت شرایطی خودبه‌خود بوجود آمده باشد ، استمرار چنین تشکل‌هایی نیز در نهایت درگرو ایجاد رابطه آگاهانه با مضمون فعالیت و عملکردهای آینده آنها می‌باشد ، آنچه که در تمامی زمینه‌ها این تشکل‌ها و حرکت‌های پراکنده کم‌دائمه با وسیع را به هم گره زده ، پیوند منافع بین آنها ایجاد می‌نماید و همه آنها را در جهت رسیدن به اهداف معینی هدایت می‌کند و به اهرم قدرتمندی جهت تعیین نظم منافع موجد آنها تبدیل می‌نماید ، بدون تردید عنصر گاهی در مبارزه است که باید در وجود و حضور سازمان های سیاسی ، تبلور مادی خود را آشکار سازد .

بزرگترین بدبختی برای یک جنبشی، نزول چنین نیروهای گیتی که در حقیقت باید رهبری مبارزات متشکل توده‌ها را داشته باشند ، به حد وجود خود همین حرکت‌ها و تشکل‌های خودبخودی و نفی عملی نقش و تاثیر عنصر آگاهی است . اگرچه این امر خود نیز از پایگاه و خاستگاه طبقاتی معینی نشأت می‌گیرد و از نقش و جایگاه اقدار و طبقات مختلف درگیر در یک مبارزه سر می‌خیزد ، حد و حدود معین رتد سیاسی آنها را نیز آشکار می‌سازد .

آنچه که مسلم است نمی‌توان گفت در شرایط کنونی جنبش خلق کرد، کسی می‌تواند نامحدود نمودن خود به واقعیت‌های

خودبه‌خودی و موجود جنبش، امر هدایت این جنبش را انجام داده باگامی در جهت آن بتوانند بردارد ، واقعیت‌های مبارزه کنونی آنچنان پیچیده و پیچیده و در عین حال سرخفت‌اند که هر کسی را با هر منافع طبقاتی مجبور به پاسخ روشن به معضلات کنونی آن می‌کنند . امروز دیگر نمی‌توان بدون سازماندهی منظم و کاملاً دقیق در گردستان توازن جنگ انقلابی را به نفع توده‌ها تفسیر داد ، همانطور در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف این مبارزه نیز این امر میسر نیست ، لذا ، با توجه به این واقعیت سرخفت‌است که باید از تحارب پنج ساله گذشته آموخت و حقیقتاً محدود نگریهای سکتاریستی را کنار گذاشت و با درک قانونمند از نقاط افتراق سازمانی و شیره‌که خود زائیده خاستگاهها و بایگاه‌های طبقاتی متفاوت است ، نقاط اشتراک مشخصی در مبارزه کنونی را روشن نموده ، حول محور آنها ، به سازماندهی هر چه گسترده‌تر توده‌ها و مبارزات

خوداش ارگان‌های ()
اقتدار توده‌ای ، و هدایت متمرکز و برنامه‌ریزی شده آنها در حقیقت پایه‌های مادی موجودیت یک جبهه سیاسی گسترده‌ای است که حقانیت خود را نه از آن بلاتفرم امضاء شده از سوی این یا آن نیرو یا نیروهای دیگر بلکه از واقعیت مبارزه طبقاتی کنونی کسب می‌نماید .

آنها و نیز سازماندهی گسترده جنگ کنونی برداخت و هرگونه اتحاد و اختلافی را نیز تابع منافع عمومی جنبش و نه منافع خاصی گروهی خود ساخت . باید از همین امروز که دیر است و زود نیست ، اهمیت این مسأله را درک نمود و وسیعاً به ایجاد و تشویق توده‌ها برای این ایجاد ارگانهای اقتدار توده‌ای از قبیل شوراهای واقعی و مسلح توده‌ای دست بازید و در درون چنین ارگانهایی به دمکراتیک‌ترین وجهی بشیرد امور را سازماندهی کرد ، آزادی تبلیغ و ترویج در درون آنها را به تمامی نیروهای سیاسی در سطح شناخته و تقاضای سیاسی در

انتخاب این با آن خط و مشی را به عهده ، خود توده‌ها گذاشت و از هرگونه محدودیتی در این زمینه احتساب ورزید . تمامی تبعات ناشی از وجود چنین ارگانهای براساسی در گردستان را اعم از امکانات سیاسی و غیره و مسأله هدایت آنها را در وسیع ترین شکل خود بنا به قدرت بسیج و سازماندهی قدرت توده‌ای حول برنامه روشن سیاسی ، در درون نیروهای سیاسی حل و فصل نمود و هر نیرویی را که از منشور چنین تشکل‌هایی و توافق‌های برنامه‌ای ، عدول نمود در درون این ارگانها و از طریق خود آنها نه تنها افشا نمود ، بلکه منزوی و مطرود نیز ساخت . میزان توانایی در بسیج و سازماندهی توده‌ها و التزام هر چه بیشتر به برنامه ، سهم و مسئولیت هر چه بیشتری را بر گردن این یا آن نیرو می‌گذارد و گسترش یا کاهش آن (مسئولیت) نیز صرفاً منوط به چگونگی برخورد با اهداف انقلابی توده‌ها و شایستگی در هدایت مبارزه برای دستیابی به آنهاست نه چیز دیگری . و مبارزه بر سر چگونگی این هدایت و آشکار ساختن شایستگی بیشتر نیز از درون خود چنین ارگانهایی به دستورات آشکار و بیتر صورت خواهد گرفت تا از طریق برخوردهای پراکنده سیاسی و غیره .

خود این ارگانها و هدایت متمرکز و برنامه‌ریزی شده آنها در حقیقت پایه‌های مادی موجودیت یک جبهه سیاسی گسترده‌ای است که حقانیت خود را نه از این یا آن بلاتفرم امضاء شده از سوی این یا آن نیرو یا نیروهای دیگر ، بلکه از واقعیت مبارزه طبقاتی کنونی کسب می‌نماید و طبیعتاً صرفاً یک توافق بدون هیچ گونه بازتاب عملی نخواهد بود ، بلکه انعکاس عینی خود را در هدایت هر چه قدرتمند توده‌ها آشکار خواهد ساخت .

شرکت در چنین جبهه مبارزاتی نه تنها فعالیت خودویژه نیروهای سیاسی را محدود نخواهد ساخت ، بلکه زمینه برای انجام وسیع تر آنها به وجود خواهد آورد .

از کجا باید...

تنها مشاخره برسر اختلافات کوچک و بزرگ را، تعطیل نخواهد بود، بلکه ایجاد توده‌ای به آنها داده و بدکانال دمکراتیک و مشخص آن خواهد انداخت. منشور چنین جبهه‌ای بدون تردید حاوی ریزترین نکات در زمینه‌های مختلف از جمله در این زمینه خاص نیز خواهد بود و می‌باید همه حقوق بی‌تبدیل و شرط شرکت کنندگان را نیز تضمین نماید.

چنین جبهه گسترده‌ای که حقانیت خود را از توده‌های مشکل می‌گیرد می‌باید ارتش وسیع توده‌ها را نیز به وجود آورده، هدایت نماید، و نه تنها نیروهای مسلح کنونی سازمانهای سیاسی را نباید در چنین ارتش گسترده‌ای تحلیل برده و محدود نماید، بلکه امکانات گسترده و هر چه وسیع‌تری را برای رشد و گسترش آنها نیز ایجاد نماید، نه تنها باید توازن کنونی نیروها را درهم شکنند، بلکه این توازن را در جهت اهداف چنین جبهه‌ای گسترش دهد. نه تنها آزادی تبلیغات سیاسی در درون توده‌های مسلح را محدود سازد، بلکه همچون سایر زمینه‌ها کانال روشن و مشخص توده‌ای آن را نیز تضمین نماید.

چنین جبهه گسترده‌ای لزوماً می‌باید هیأت هدایت کننده خود را بر اساس توازن درونی خود انتخاب و حق عزل و نصب آنها را در هر شرایطی که توازن تسلی به هم خورده با نیروهای انتخاب شده دچار خطای مکرر کردند بر طبق اساسنامه روشن و صریحی برای ارگانهای انتخاب کننده توده‌ای به رسمیت بشناسد.

این ارگانها در اشکال متفاوت خود در شرایط و موقعیتهای زمانی و مکانی و با توجه به اوضاع امنیتی خود می‌توانند ایجاد گردیده، به صورت مخفی یا علنی به رتق و فتق امور توده‌ها از طریق ارتباط مستقیم و غیرمستقیم اقدام نموده و بعنوان بانگه اصلی جنبش کنونی و پایه‌های

قدرت آن عمل کنند.

هر نیروئی که حقیقتاً به منافع توده‌ها و به آینده جنبش کنونی خلق کرد می‌اندیشد و تنها بر آزاده و امکانات بالفعل و بالقوه توده‌ها متکی است می‌باید در مقابل این کار احساس مسئولیت نموده، پاسخ روشن و مقتضی را به این امر بدهد، امری که در طی سالیهای گذشته به کلی به آن بی‌بائی داده نشده است.

اما امروز جنبش انقلابی خلق کرد با مسائل حاد و مبرسی رو در روست که حقیقتاً و حتی در وضعیت کنونی نیز پاسخ فرور و مقتضی بدان نمی‌تواند موقوفه آینده کرده، حتی این آینده سازماندهی چنین قدرت توده‌ای نیز باشد. در این نامی این مسائل ایجاد هماهنگی و عملکرد مشترک فیما بین نیروهای مسلح کنونی در مقابل با هرگونه پیروشی رژیم است، که امروز دیگر ایجاد بسیار گسترده‌ای به خود گرفته است.

این هماهنگی در میان پیشمرگان نیروهای سیاسی کنونی و عمدتاً بین نیروهای حزب دمکرات کردستان و کومله، که اینک در مرحله حاس جنگ کنونی هر کدام به توبه تسود آرایش جدیدی را به خود گرفته‌اند و واقعیت تحرک دوماه گذشته نشان داد که سازماندهی هدفمند و آگاهانه حتی در نازل ترین شکل آن نیز قادر کاربرد در بالا بردن پتانسیل و انضروزی نیروها دارد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، ایجاد فرماندهی واحد و سازماندهی هدایت شده در درون نیروهای مسلح و حتی در شکل اتحاد عمل های منطقه‌ای و غیره و در محدودترین شکل آن نیز، تا ثیرات عمیقی در قدرتمندی حرکت کنونی جنبش انقلابی خواهد داشت. این امر حتی در نازلترین شکل خود یک گام اساسی در جهت دست یافتن به

یک توافق عمومی در ایجاد سازماندهی نوین جنبش کنونی خواهد بود.

ایجاد هماهنگی فیما بین نیروهای مسلح خلق کرد (به ویژه پیشمرگه‌های دوسیروی فوق)، در حقیقت گام نخست حرکت به سوی ایجاد یک جبهه وسیع توده‌ای در کردستان انقلابی و پایه مادی

بخشیدن به یک اشتلاف عمیق سیاسی در سطح منطقه و پیوند ناگسستی آن با نمایندگان واقعی تحولات انقلابی دمکراتیک در سراسر ایران است. این امر علاوه بر پاسخ به ضرورت عاجل مقابل هر چه جدی تر با یورش های رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نطفه‌های اساسی گام های بعدی را نیز در خود دارد. فرماندهی واحد نظامی در حقیقت گام نخست ایجاد ستاد سیاسی - نظامی واحد برای خلق کرد و از این طریق حرکت در جهت ایجاد پیوند ناگسستی مبارزاتی بین این خلق قهرمان با گارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است، امری که می‌باید از طریق پیوسته برنامه و عمل مشخص انقلابی - دمکراتیک تبلور عینی خود را آشکار سازد. و با نمایندگان واقعی چنین برنامه‌های اقشار و طبقات انقلابی پیوند خود را مستحکم نماید.

هیچ جنبشی بدون آنکه بتواند نیروی خود را مجتمع نماید و قدرت خود را در فشرده ترین شکل ممکن خسود سازماندهی کند، نه تنها به پیروزی نخواهد رسید، بلکه مسلماً متحمل تلفات سنگینی نیز خواهد گردید، در یک جنبش عمومی نیروهای سیاسی مقتصد نمی‌توانند و حق ندارند کمترین گدام بد نحو دلخواه خود، چنانچه بالفعل توده‌ای را تکه پاره کرده و انرژی آن را در کانال‌هایی که اجتناب از آنها امری میر است هدر دهند. و زمانی می‌توانند با اتمام بدرمبیر توده‌ها ارتقا، بایند که بتوانند بر الزامات عینی رتد و شکوفائی جنبش توده‌ای و مبارزه طبقاتی حاری پاسخ درخور و امولی بدهند. طبیعی است در جنبش که اقشار و طبقات مختلف با تمایلات سیاسی مختلف شرکت دارند، بدون وجود نقاط اشتراک قابل اتکا، عملکرد مشترک امکان پذیر نیست و لسی این نقاط اشتراک را بایند

شناخت و در میان توده‌ها تبلیغ و ترویج نمود و بدین وسیله نیروهای موجود را در مقام انتخاب قرار داد. طبیعی است هر نیروئی که در این زمینه نتواند با اهداف دمکراتیک و انقلابی جنبش کنونی که مضمون

انقلاب مشروطیت

از صفحه ۱

قرون بیخبری است و درست سه همین لحاظ نیز یک نقطه عطف تاریخی در تاریخ سارزات خلق ایران به شمار می رود و همین جنبه نیز قابل تجلیل و ارزیابی و بررسی است.

در ۱۴ مردادماه ۱۲۸۴ زیر سر رحمتش توده ای دربار قاجاریه علیرغم تمامی عقب ماندگی و فترت حقیرانه خود حکم تاسیس "عدالتخانه" (در آن زمان مجلس را چنین می نامیدند) را صادر کرد و اشرافیت تن پرور و عقب مانده و در پیوسته قاجاریه که علاوه بر تمامی خصوصیات قرون وسطایی، دست آموز امپریالیست های انگلیسی و روس نیز گشته بود به عامل سیاست های استعماری و آلت پیشبرد آنها و دلال فروش بی قید و شرط تمامی منابع طبیعی و غیره کشور مبدل شده بود، با جنب و جگرختی خاصی خود، محتاطانه در مقابل سبلی که بر دیسوار گاه های آنها سر می میساید و بیم آن می رفت که این جلال و جسوریت پوهالی و بی فطیلت را یکسره در موج خشاگین خود فروخورد، به عقب نشست و به "اندرونی" خزید و بر "فتنه" اوباش "موقتاً" کردن نهاد.

اما انقلاب مشروطیت "فتنه" اوباش نبود، بلکه حکم تاریخ بود. انقلاب اقشار و طبقات اجتماعی و در جهت پاسخ به ضرورت نفع و شکوفائی مبارزه طبقاتی در جامعه عقب افتاده ایران بود. انقلابی بود ضد فئودالیسم استعماری، که در آن اصناف، پیشه وران شهری و روشنفکران ترقیخواه نقش بسیاری داشتند، و آشفشان اصلی آن را اکثریت عظیم توده های به فلاکت نشسته دهقانی تشکیل می داد. گرسنگی، قحطی و فقر و بیداد حاکم بر جامعه ایران آنروز، زمانی که با سلطه استعماری امپریالیسم روس و انگلیس و اخلات علنی آنها در تمامی امور جامعه، حل و راهی به انحمار در آوردن منابع حیاتی

درآمد کشور و تصاحب آنها، درهم می آمیخت، اوضاع آشفته و غیر قابل تحلیلی را برای اکثریت قریب به اتفاق اقشار و طبقات اجتماعی فراهم می آورد. از یک سو نظام فترت فئودالی و از سوی دیگر استبداد فئودالیسی حاکم با عقب ماندگی شگفت انگیز خود، برای تامین مخارج دربار و خدم و حشم خود، چوب حراج بسر تمامی منابع درآمد ملی زده، هر روز امتیازی را به دول امپریالیست واگذار می کرد و از سوی دیگر هرگونه فکری آزادیخواهی و رهائی از وضعیت غیر قابل تحمل آن روز را در نظفه خفه می کرد.

چنین بود که جنبش ضد فئودالی و ضد استعماری مشروطیت با شعار حکومت قانون که خواست بورژوازی عقب مانده و نمایلات بورژوازی حاکم بر اقشار کسبه و پیشه وران شهری بود، در گرفت و طولی نکشید که به جنبش عمومی علیه استبداد حاکم مبدل گردید و خواهات گشایش "عدالتخانه" گردید.

در مدت بسیار کوتاهی جنبش چنان ابعاد بی خود گرفت که نهایتاً در ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵ دربار قاجاریه را مجبور به امضای فرمان مشروطیت نمود.

با صدور فرمان مشروطیت جنبش انقلابی کام های بس مهمی به پیش گذاشت، شرایطی دمکراتیکی در سراسر ایران حاکم گردید، جنبش ضد امپریالیستی در جنوب علیه انگلستان و در شمال ایران علیه روسیه تزاری اوج نوینی یافت، جنبش کارگری جوان ایران در تهران و چند شهر مهم دیگر از جمله در بندرهای جنوب و تبریز و ... دست به تشکیل خود زد و اتحادیه کارگران چاپ و غیره در تهران تشکیل گردیدند، روزنامه ها و نشریات زیادی منتشر گشت، اعتراضات دهقانی شروع به رشد و شکوفائی کرد، صف بندی اولیه در اشرافین رشد هر چه بیشتر شکاف برداشت، عناصر بورژوازی به سوی مرتجعین و محدود نمودن رشد جنبش توده ای هر چه بیشتر تمایل پیدا کردند و در نتیجه عملاً میدان به تاخت و تاز مرتجعین دادند.

مجلس اول علیرغم ترکیب ناهمگون خود، زیر فشار رهبران دمکراتیک مجبور شد تا اولین مهمی را در زمینه های مختلف به تصویب رساند، اختیارات شاه را محدود نماید، حق واگذاری منابع طبیعی به بیگانگان را به مجلس بسپارد و انجمن مسای شهری را که به مجمع دمکراتیک توده ها مبدل گشته بودند، به رسمیت بشناسد و غیره ...

اما همه اینها، چیزهایی بودند که برای مرتجعین دربار قاجاریه و جیره خواران امپریالیستها و خود امپریالیست ها حقیقتاً غیر قابل تحمل بودند، دربار قاجاری "عدالتخانه" را عین بدبختی محرم و تنی ماندن کسبه های گشاد بول و شکم های فربه، و پایان بندوبست های پنهان و آشکار و خرج همه چیز هتلی عرضی و ناموس خود نیز می داشت، و به همین دلیل نیز، در هیئت این کلمه "ناهموار، هیولائی را می دید که چنگ بر وجود او انداخته است.

اشرافیت قاجار اگر مدحت فشار جنبش توده ای بدامشای فرمان مشروطیت گردن نهاد، اما قسم خورد که بر امضای خود تن کند، و برای بر آوردن این قسم از هیچ کاری فروگذار نمی کند، حتی اگر مجبور باشی "عدالتخانه" تحت الحمایگی خود به یکی از "دول معظم" یعنی امپریالیسم روس یا انگلیس را تا تعیین آریز - ترین حد آن نیز برساند، از تحت الحمایگی این "عدالتخانه" منفور دست بنویسد و خیال خود را از وجود آن راحت کند.

بدین گونه بود در نهایت امر، بعد از توطئه های مکرر "عدالتخانه" یعنی مجلس شورای ملی به توب بسته شد و آزادی - خواهان به دار آویخته شدند، انجمن ها تعطیل گشتند، روزنامه ها توقیف شدند، بسیاری از مدیران آنها حلق آویز شدند و قزاق های روسی به محض دفاع از شرف و ناموس "سایه" خدا و پدرتاجدار فراخوانده شدند. و یک بار دیگر وحشت و ترور بر عرصه پر جوش و خروش جامعه ایران سایه افکند.

بورژوازی زیبون و درمانده در صفحه ۲۲

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

انقلاب مشروطیت

از صفحه ۲۱

و دلال منش آنجا که امکان یافت سکوت کرد و جان به سلامت برد ، آنجا که خطر رادر بیخ گوش خود احساس نمود به "دولت منظم" رقیب (امپریالیسم انگلیسی) پناه برد و بست نشست و بر پرچم "ملکه جهان" بسوزد .

در این میان آنکه بیش از همه قربانی گشت و بر سر دار رفت ، روشنفکران و نمایندگان ائتلاف متوسط شهری بودند ، که استبداد صغیر انتقادی و خطابه های انقلابی و بیسای روشنگری را به تمام و کمال از آنها بازستاند و در همان نخستین روزها ، با زرتیریسین چهره های این نیرو و اصلاحی نمود ، اما انقلاب مشروطیت عمیق یافته بود ، ریشه دوانده بود و به راحتی سرکوب آن میسر نبود . اینگونه بود که دربار ناسد قاجاری و اشرافیت حول وحوش آن با مقاومت بی نظیر توده های روبرو گشتند .

ستون اصلی و نیروی محرکه انقلاب مشروطیت را در این دوران برتلاطم ، از یک سو دهقانان این کشورالنده ترین نیروی جامعه تشکیل میداد که رهبری آن را اقشار خرده بورژوازی مختلف شهری به عهده داشتند و از سوی دیگر شرکت فعال و سازمانگرا نه عناصر سوسیال دمکراسی که بیش از همه به دلیل ضعف عمومی رشد نیروهای مولده جامعه عمدتاً در مرکز و در بخش های شمال ایران (در شرایط با جنبش کارگری روسیه تزاری و سوسیال - دمکراسی روس و در میان کارگران مهاجر ایرانی) فعالیت داشتند ، تشکیل میدادند . نخستین و قدرتمندترین دفاع از عدالتخانه از تبریز شروع شد و با وجود یورش گسترده ارتجاع و مزدوران روسیه تزاری قهرمانانه ما هیا مقاومت نمود . فدائیان مسلح تبریز بنده فرماندهی ستارخان و باقرخان و تحت هدایت "مرکز غیبی" تشکیلات مخفی سوسیال دمکراسی ، توانست در طول چند ماه مقاومت گم ارتجاع را شکست و شکست ناپذیری اراده توده ها را بر او دیکته نماید .

اما گسترش روزافزون مقاومت توده های ، بعد از به توپ بستن مجلس و ناتوانی استبداد محمدعلی شاهی در مقابل (حتی با وجود یورش نیروهای وابسته به امپریالیست روس به تبریز قهرمان) با آن بسیاری از مرتجعین مخالف مشروطه را به لباس مشروطه خواهی درآورد ، چنانکه در اکثر نقاط ایران به ویژه در مرکز ایران یعنی در اصفهان و در مناطق بختیاری ، خان های بختیاری مزورانه خود را در رأس جنبش دفاع از

عدالتخانه قرار دادند و در شمال ایران نیز صمصام السلطنه و ... در کسوت طرفداران مشروطه به لشکرکشی به سوی تهران اقدام نمود و بعد از عمام مبارزه خونین ، اگر چه استبداد محمد - علی شاهی رخت بر بست و شاه جدید با پذیرش فرمان مشروطیت بر سر کار آمد ، اما این یار دیگر رهبران مشروطیت دست کمسی از طرفداران استبداد نداشتند و هدفی جز تنبی ساختن آن از مضمون واقعی خود را دنبال نمی کردند . خلق صلاح توده ها به بندوبست با امپریالیستها و سکوت گذاردن هرگونه اصلاحات اجتماعی که بتواند تغییر در شرایط زندگی توده ها بدهد ، تنها کاری بود که مشروطیت به انجام آن بعد از سقوط محمدعلی شاه کمر همت بست . با این همه ارتجاعی که تحت پوشش مشروطیت براریکه قدرت نشست بود موفق به دفن کامل انقلاب اجتماعی نگشت ، ولی شکست آن را معجز ساخت . نیروهای انقلابی را خلق صلاح نمود ، روزنامه ها را تعطیل کرد ، و سر بر آستانه این یا آن امپریالیست سائید و توده های دهقانی را سرکوب کرد . بسیاری کودتای پلیس به ریاست یفرم خان آخرین بقایای جودمکراتیک را نیز از بین برد .

دولت بعد از فتح تهران در حقیقت آنچه را که استبداد فتح کرده بود ، تحکیم کرد و درست آنچه را که توده ها به چنگ آورده بودند ، زیر ضربات خردکننده خود برد ، ارتجاع حاکم اهداف واقعی انقلاب مشروطیت را مورد یورش قرار داد و به نام مشروطه و در لباس مشروطه ، ارتجاع شکست خورده را زنده کرد و زمینه های شکست آن را فراهم نمود . انقلاب مشروطه به عنسوان نقطه عطفی در مبارزات توده های

کشورمان ، علیرغم شکست خود ، انقلاب عظیمی در تمامی وجوه زندگی اجتماعی ایجاد نمود و تا شیرات شگرفی در تحولات بنفدی برجای گذارد و مسیر آینده مبارزات انقلابی خلقهای سرلر ایران را روشن ساخت ، اهداف انقلاب مشروطیت ، در وجه اساسی خود هنوز هم برقرار است . قطع سلطه امپریالیسم و از میان برداشتن قطعی و انقلابی نظامات قرون وسطائی ، هنوز هم جزو اساسی ترین خطوط برنامه ای جنبش کنونی است و به همین لحاظ نیز انقلاب مشروطیت پیشینه

تاریخی بلاواسطه انقلاب امروز ایران است . اما این امر ناخی مسیر پیشرونده تاریخ مبارزات طبقاتی از انقلاب مشروطیت تا به امروز نیست ، امروز این مبارزه ابعاد بسیار پیچیده و بفرنجی به خود گرفته است ، و هر روز بیشتر از پیش در مسیر پیشرفت و ترقی گام گذارده است روندهای عمومی مبارزه طبقاتی روبرو تکامل نهاده و ضعف های اساسی انقلاب مشروطیت در گورن تجربیات خونین و در خاکستر شکست های گذشته مدفون گشته است .

از کجا باید ...

از صفحه ۲۰

اصلی حرکت توده ها را تشکیل میدهد ، هم خوانی از خود نشان دهد و در جهت فرمایشات انرزی و توان را دیگال جنبش کنونی و یا کاتالیزه کردن آن در مسیرهای انحرافی حرکت نماید ، به سرعت در میان توده ها منزوی خواهد گشت . این امر نه تنها جنبش کنونی را تضعیف خواهد ساخت بلکه آن را قدرتمندتر از پیش نیز خواهد نمود .



شوق گورد پیرو زمان

نگاهی

به عملیات یک ماهه پیشمرگان

از صفحه ۲۴

توضیح و تصحیح:

در چاپ طرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شماره ۱۹ ریگای گهل، برخی جا افتادگی ها و اشتباهات وجود دارد که بدین وسیله تصحیح می گردد.

صفحه	ستون	سطر	متن اصلاح شده
۱۳	اول	۲۶	مبنائی برای وحدت عمل حزبی ارائه دهد.
۱۵	اول	۲۸	به وسائل تولید و مبادله
۱۶	دوم	۳۳	و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا
۱۷	سوم	۲۳	ع- ممنوعیت استخدام ...
۱۷	سوم	۲۲	دوماه قبل و دوماه بعد از ایام
۱۷	سوم	۵۳	حقوقی معادل

داخل شهرهای کردستان و کنترول جاده ها و آمار کشته و تلفات رژیم (که در این ماه بیش از ۱۱ تن از فرماندهان مزدور رژیم به هلاکت رسیده اند) اسیر شدن، طرح سلاح پایگاهها و غنائیم بدست آمده و پیوستن فریب خوردگان بسینه پیشمرگان و ... هر چه بیشتر فزونی یافته، که خود گویای وسعت عظیم و تداوم قدرتمند جنبش انقلابی خلق کرداست.

جدول زیر بیانگر و نشان دهنده واقعی این تداوم عظیم می باشد:

آمار این جدول عمدتاً از رادیوهای حزب دمکرات و کومله برگرفته شده است.

(۲۷ تیرماه تا ۲۷ مردادماه)

تحرك و فعالیت بی نظیر پیشمرگان در به کارگیری و اتخاذ تاکتیکهای جدید و تجربیات بدست آمده در طول این پنج سال گذشته در به کار بست جنگ پارتیزانی و عملیات پی در پی و جسورانه و برق آما، ضربات کاری بر پیگیر دشمن، مقاومت و اعتراضات دسته جمعی نموده ها، تسلیم ناپذیری آنها و مقاومت در مقابل تسلیم اجباری، مقاومت در برابر سیاست سر باز گیری اجباری، ایستادگی و بایاداری نموده های خلق زحمتکش در مقابل توپ و خمپاره باران ها، همه و همه ... دشمن را به شدت زبون و ناتوان ساخته و ترس و هراس سراپای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته، و عجز و زبونی آنرا به نمایش گذاشته است.

نگاهی به جدول عملیات یک ماهه پیشمرگان قهرمان و دلیر کردستان خود بیانگر بی اساس بودن ادعاهای رژیم در کردستان می باشد. طی این ماه تنها جماعت پیشمرگان، کمین گذاری، مقابله در برابر برپورهای رژیم، عملیات

اراده و ایمان بولادین و تزلزل پذیر این خلق قهرمان و تضمین بیروزی قلمی مبارزه او علیه رژیم ضد خلقی می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب این جنبش و نابودی این جنبش و نابودی این سنگر سرخ انقلاب، از هیچ چیز رویگردان نیست، و شیوه های ضد خلقی و ارتجاعی را در این رابطه به کار گرفته، طی این ۵ سال با یورشهای بیوقفه به کردستان و سرکوب عربان و ایجاد جو ترور و خفقان و سر باز گیری اجباری، مسلح کردن اجباری نموده های زحمتکش خلق کرد، یورش به روستاها و اذیت و آزار و دستگیری اهالی بی دفاع، توپ و خمپاره باران روستاها و به آتش کشیدن محصولات و مسزارع زحمتکشان و شهید کردن اهالی بی دفاع و ... و با تبلیغات بی اساس و دروغین تلاش کرده است و انمود کند که بر کردستان انقلابی تسلط و کنترول کامل دارد و نیروهای سیاسی را قلع و قمع نموده است.

غنائیم بدست آمده

۱۹۱	جنگ افزار انفرادی
۲۳۵	انواع نارنجک
۱۲	بیسیم
۳۲۷۱۸	انواع فشنگ
۱۴	گلوله آرمبی جی
۲۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۲	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۳۵	پیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۱۷۶۲	کشته و زخمی دشمن
۶۷	اسرای دشمن
	خودرو منهدم یا مصاداره شده ۱۲۴
۶	سلاحهای منهدم شده
	میخات منهدم شده ۸ صندوق یک انبار
۴۶	شهادت پیشمرگه
۳۷	اهالی بی دفاع

عملیات پیشمرگه

۸۶	کمین و کنترول جاده
۳۹	مین گذاری
۵۵	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۲	خلع سلاح پایگاه
۲	مصادره و انهدام تاسسات
۵۳	حمله به پایگاهها
۲۵۳	جمع

برخی ملاحظات

گرامی باد یاد

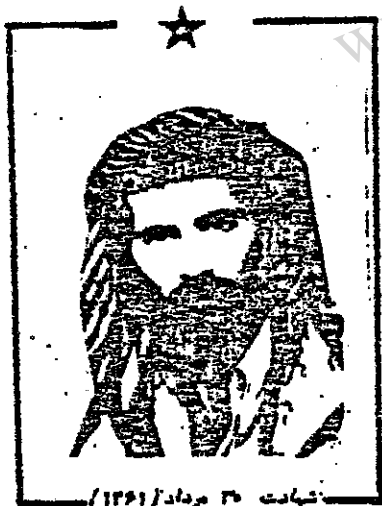
بیشمرگان دلیر فدائی رفقا انور اعظمی و جواد کاشی

انور اعظمی یکی از ارزنده ترین رفقای سازمان بیشمرگه آگاه و بیغشوه، فرزند راستین خلق کرد، یار و دلسوز کارگران و زحمتکشان، مبلغ ورزیده و پرنفوذ، عضو سازمان عضو کمیته کردستان و مسئول سیاسی تشکیلاتی بیشمرگان فدائی بعد از ۶ سال پستگاه و پیگیری در مبارزه در جریان درگیری و طبع سلاح گروهان فدیت پایگاه "حر" نیز بر اثر ترکش راکت هلی کوپترهای ارتش سرکوبگر بعد از سه روز مقاومت و دست و پنجه نرم کردن با سرکشیایان به کوشش و عشق صادق به آرمان والای کارگران و زحمتکشان در میان جمیع رفقای قهرمانان به شهادت رسید.



شهادت ۲ شهریور (۱۳۶۱)

جواد کاشی، بیشمرگه، رزمنده، یکی از مدافعان خشکی نابذیر آرمان کارگران و زحمتکشان که با کوشش و بیست خود زجر و درد توده ها را لمس کرده بود و با شور و شوق انقلابی و فداکارانه نابذیر به صفوف بیشمرگان فدائی پیوست و برای ریشه کن ساختن استبداد و استعمار و رسیدن به آزادی، دیکراسی و سوسیالیسم به مبارزه برخاست. او سبیل فداکاری، متانت و صداقت و انضاط و جدیت کوششی و مسئول و فرمانده نظامی دسته های عملیاتی بیشمرگان فدائی و کاندیدای عضویت در سازمان بود که در نردی سخت و قهرمانانه در حالیکه با کینه و نفرت سینه دشمن را نشانه میرفت، آماج تیرگیار مزدوران قرار گرفت و به شهادت رسید.



شهادت ۲۵ مرداد (۱۳۶۱)

گومدله :

منگل دیروز

راه هلی امروز

اخیراً گویا گومدله با منگل جدیدی روبه رو شده است - هر چند چنانچه جدید هم نمی تواند باشد - منگل "تلیخ جهان بینی" کمونیستی در میان دهقانان کردستان و ملغین او، "استار سارزانی گومدله" را "وثیقه" تلیخ غیر اصولی "خسود" نموده اند، و از این امر در روح و عذاب است که این ملغین "اعلام موضع در قبال توده ها" را بدون توجه به ذهنیت و موقعیت عینی و اجتماعی آنها، جایگزین "تلیخ کمونیستی" کرده اند، بدین وسیله "احساس حقارت" مورد توهین واقع شدن، ناتوانی و خرقتی را در مخاطبین خود دامن رده، مثلاً "در مورد مذبح یا شیوه تلیخ خود، "دقیقاً" بهترین زمینه روحی پذیرش ما و راه الطبیعه و پناه بردن به مذبح را فراهم کرده اند و با خوشبینی "به جای نشان دادن حقانیت عقاید خود، "به جای تلاش برای اقتناع مخاطب"، "به سوال پیچ کردن مخاطب و نشان دادن اشواغ قنایق های منطقی و فلسفی در یک جمله" ساده مخاطب پرداخته اند. و در نهایت سرخورد دیگر گویا با این شیوه در بیشترین حالت "تنها" موفقی شده اند مخاطب را با لغوه ساخت کنند را و را و اداره "برانداختن" نمایند. امید گومدها از پیشرو، دوره جدید شماره ۲۵ مقاله نگاتی برامون تلیخ کمونیستی ملغین گومدله اجنبین شیوه تلیخ و هر چیزی را به نام "گومدله" تلیخ کرده اند، (۲ صفحه ۷)

خلق کرد پیروز است

نگاهی به عملیات یک ماه بیشمرگان

خلق زحمتکش کرد، در راه آرمان انقلابی خود با قهرمانی و از خود گذشتگی های بی نظیر، با شرکت در نبردهای خونین و با حمایت بی دریغ از فرزندان دلیر خود، بیشمرگان قهرمان کردستان حماسه ها آفریده است که بسیار نگر و (۲ صفحه ۲۳)